

## در نقد تحریف درسهای انقلاب ۵۷

انقلاب بهمن که به اعتبار شرکت توده های میلیونی در آن بزرگترین انقلاب در تاریخ معاصر ایران بود گنجینه ای از درس و تجربه در خود نهفته دارد. ولی واقعیت این است که این انقلاب از همان آغاز در ابعاد باور نکردنی مورد تحریف قرار گرفت. از اینرو دست یابی به آن گنجینه و اشاعه درس ها و تجارب انقلاب در بین توده های مردم، خود به کاری وسیع، پی گیرانه و آگاهانه نیازمند است. حتی درک و فهم بسیاری از درسهای آن باید در جریان یک برخورد قاطع و در عین حال پربار با نظرات تحریف آمیز دشمنان

در صفحه ۵

## "دیالوگ انتقادی"

# یا

## "مهار دو گانه"؟

پدنبال تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی بوسیله دولت امریکا و عدم همکاری اروپا و ژاپن با این سیاست، مشاجره قدرتهای بزرگ امپریالیستی بر سر چگونگی برخورد با جمهوری اسلامی ابعاد هر چه گسترده تری یافته و دستکاهای تبلیغاتی این قدرتها هر روز تحلیل ها و گزارش های بیشتری در توجیه سیاست مورد نظر خود ارائه میدهند. برای نشان دادن ابعاد این اختلافات تنها کافی است اشاره کنیم که چندی پیش دانیل تساولو، معاون وزارت امور خارجه امریکا، در مجلس نمایندگان این کشور گفت: "دولت امریکا واقعا از رفتار اتحادیه اروپا به خاطر خودداری از افزودن فشارهای اقتصادی بر اقدامات دیگر دچار

در صفحه ۲

## در این شماره می خوانید:

- ۱۵ ایران از دریچه آمار
- ۱۶ یلتسین و نظامیان
- ۲۲ چین ۶ سال پس از تیانانمن (قسمت آخر)
- ۲۳ پیام فدایی و خوانندگان

## جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب توده ها

بررسی رویدادهای سیاسی یک دو ماهه اخیر در جامعه ما نشانگر آن است که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی بار دیگر تهاجم وحشیانه ای را بر علیه توده های رنجبر سازمان داده است. این تهاجم که بر بستر تشدید بحران اقتصادی گریبانگیر نظام سازمان یافته، در شرایطی صورت میگیرد که کمر کارگران و خیابان زحمتکشان در اثر سیاستهای اقتصادی ظالمانه سرمایه داران، زیر بار فقر و فلاکت و گران و تورم و بیکاری خم شده

در صفحه ۱۰

# "دیالوگ انتقادی" یا "مهار دوگانه"؟

از صفحه ۱

سرخوردگی شده است. "از آن سو ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه پاسخ این اعتراض و "سرخوردگی" را چنین فرموله نمود: "من فکر نمیکنم تلافی در زمینه اقتصادی موثرترین راه موجود باشد. گروهان گرفتن تمامی جمعیت یک کشور کار درستی نیست." و در حالیکه آمریکا، اروپا را به مامشات با جمهوری اسلامی متهم ساخته و از عدم همکاری همکاران اروپایی خود ناله سرداده و سیاست خود را راهگشای تغییر "برخی رفتارهای خاص" این رژیم قلمداد میکند؛ اروپا مدعی است که "محاصره اقتصادی یا طرد ایران فقط به عناصر افراطی کمک خواهد کرد و این اقدام بسیار خطرناکی خواهد بود."\*

مواضع بالا که تنها جز کوچکی از کل موضع گیری های سیاستمداران آمریکا و اروپا در این زمینه میباشد، بیانگر آن است که از یک طرف آمریکا در راستای سیاستهای تاکتونی نسبت به جمهوری اسلامی ریاکارانه ضمن لاپوشانی روابط عمیق و گسترده خود با این رژیم بدمنش، پشت مخالفت با جمهوری اسلامی سنگر گرفته و با تکیه بر سیاست "مهار دوگانه" کذایی اش رسماً خواهان تحریم اقتصادی جمهوری اسلامی و تشدید تحریم های اعمال شده بر علیه این رژیم میباشد و در همین رابطه متحدین اروپایی خود را بخاطر عدم قاطعیت در برخورد با این رژیم به باد انتقاد گرفته است. در حالیکه اروپا بخصوص آلمان و فرانسه که خود

\* - از سخنان ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه

از صحنه گردانهای سرکوبگری های امپریالیستی در چهار گوشه جهان میباشد با ادعای مخالفت با "گروگان گیری" مردم ایران و در واقع بخاطر منافع اقتصادی خود از سیاست "گفتگوی انتقادی" حمایت کرده و مدعی هستند که تنها در بستر چنین سیاستی است که امکان تاثیرگذاری بر جمهوری اسلامی و در نتیجه "تغییر" و "اصلاح" سیاستهای باصطلاح افراطی اش مهیا میشود.

اختلافات آمریکا و اروپا در چگونگی برخورد با جمهوری اسلامی و تبلیغات آنها در این زمینه البته نمیتوانست در صفوف اپوزیسیون جمهوری اسلامی انعکاس نیابد. به همین دلیل هم ما شاهد موضع گیری نیروهای مختلف اپوزیسیون در این رابطه بودیم. برخی از این نیروها با ادعای ضرورت تمرکز فشار هرچه بیشتر بر علیه این رژیم بدمنش ضمن مخالفت با سیاست "دیالوگ انتقادی"، به دفاع از سیاست تحریم اقتصادی آمریکا برخاسته و به جای اینکه افشاگر ماهیت امپریالیستی هر دو این سیاستها باشند در جهت گسترش توهم پراکنی امپریالیستها تلاش نمودند. سیاست کنونی اروپا در برخورد با جمهوری اسلامی که به "دیالوگ انتقادی" معروف گشته در کنفرانس سران اروپا که در سال ۱۹۹۲ در ادینبرگ تشکیل شد تعیین گردید. بر اساس این سیاست، کشورهای اروپایی میبایست ضمن حفظ روابط مالی و بازرگانی خود با جمهوری اسلامی به آن جنبه هایی از سیاست این رژیم که به اصطلاح "غیرقابل قبول" تلقی میشود انتقاد کرده و تلاش نمایند با "سوسه های اقتصادی"، سیاستهای "افراطی" رژیم را تعدیل و

"تصحیح" نمایند. هدف ادعایی این سیاست تقویت باصطلاح "میانہ رو" ها در رژیم ایران و کمک به آنها برای منزوی نمودن تندروها بوده است. بر این اساس "دیالوگ انتقادی" مدعی است که با گسترش روابط اقتصادی و استفاده از نفوذ اقتصادی میتوان سردمداران جمهوری اسلامی را در جهت تغییر سیاستهای افراطی شان در زمینه تروریسم، مخالفت با صلح اعراب و اسرائیل و فتوای قتل سلمان رشدی تحت فشار قرار داده و شرایط تصحیح این سیاستها را مهیا نمود. آنها مطرح میکنند که از طریق منزوی ساختن جمهوری اسلامی نمیتوان به خواستهای فوق دست یافت چرا که تلاش در جهت منزوی ساختن این رژیم اورا به افراط گری بیشتر و تلاش در جهت پیدا کردن یاران و پشتیبانان دیگری در صحنه جهانی و امیدارد درحالیکه از طریق نفوذ در این رژیم و تقویت جناح باصطلاح میانہ رو آن بهتر میتوان به اهداف مزبور دست یافت.

از سوی دیگر سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی که به سیاست "مهار" و با در نظر گرفتن فاکتور دولت عراق "مهار دوگانه" توصیف گشته است بر این مبنا استوار است که باید با استفاده از نقاط ضعف جمهوری اسلامی و دولت عراق در زمینه اقتصادی و فشردن گلوی اقتصادی این رژیم ها آنها را وادار به تغییرات لازم در سیاستها و رفتارشان نمود. تا آنجا که به ایران مربوط میشود این سیاست خواهان پنج تغییر عمده در رفتار رژیم ایران میباشد. این تغییرات از سوی مارتین ایندیک عضو شورای امنیت ملی آمریکا و یکی از طرفداران و شکل

دهندگان اصلی این سیاست به این ترتیب بیان گردیده است:

۱- قطع پشتیبانی از تروریسم دولتی.  
۲- انصراف از تحصیل سلاحهای نابود کننده جمعی.

۳- دست برداشتن از اختلال در جریان صلح اعراب و اسرائیل و قطع حمایت از حماس.

۴- چشم پوشی از دستیابی به سلاحهای متعارف در حدی که موجبات سلطه جویی ایران در منطقه خلیج فارس را فراهم آورد.

۵- پایان دادن به عملیات خرابکاری و براندازی از طریق حمایت از جنبش های اسلامی در سودان و نقاط دیگر. به باور طرفداران سیاست "مهار" ! "گفتگوی انتقادی اروپاییان با ایران کاملاً بی اثر بوده و به هیچوجه نتوانسته است این کشور را در هیچ زمینه ای به میانه روی وادارد" (\*).

سیاست مهار بخصوص با توجه به نقش درآمدهای نفتی در اقتصاد ایران خواهان ایجاد محدودیتهایی در زمینه صنعت نفت میباشد. هدف ادعایی این سیاست آن است که با تحریم اقتصادی ایران و اختلال در روابط بازرگانی این کشور با بقیه قدرتهای اقتصادی، جمهوری اسلامی را برای تحقق خواستههای فوق آماده نماید.

اما علیرغم همه هیاهوهای تبلیغاتی طرفداران این دو سیاست و اتهاماتی که به همدیگر میزنند با کمی دقت در این سیاستها

\* - از سخنان نیکلاس برنز سخنگوی وزارت امور خارجه امریکا

سیاست مذکور مدعی "تصحیح" سیاستهای "افراطی" جمهوری اسلامی با روشهای متفاوتی هستند و این اختلاف را بمثابة اختلافی جدی با برجستگی مطرح میسازند ضروری است به چگونگی پیشبرد این سیاستها در عمل نیز اشاره کنیم. همانطور که قبلاً گفتیم سیاست "دیالوگ انتقادی" اروپا قصد آن دارد که از طریق امتیازهای اقتصادی و انتقادهای سازنده، نظر رهبران جمهوری اسلامی را نسبت به اصلاح سیاستها و تغییر روشهای افراطی شان جلب نماید. در حالیکه سیاست "مهادوگانه" امریکا بر "طرد" و "تحریم" رژیم و اعمال فشارهای اقتصادی تاکید داشته و مدعی است "گفت و شنود" با جمهوری اسلامی بدون "فشارهای اقتصادی" راه به جایی نخواهد برد.

حال اگر لحظه ای از دنیای تبلیغات جهانی امپریالیستها خارج شده و مسایل را در جریان واقعی و زنده خود مورد بررسی قرار دهیم به راحتی میتوانیم به معنای عملی سیاستهای مزبور پی ببریم و مثلاً دریابیم که سیاست "دیالوگ انتقادی" مفهومی جز این ندارد که زمانیکه بازرگانان فرانسوی در حال بستن قراردادهایی برای فروش سلاحهای مرگبار خود به جمهوری اسلامی هستند شخصیت های سیاسی آنها به دیپلمات های جمهوری اسلامی اندرز میدهند که نباید از این سلاحهای مرگبار در مسایل داخلی، یعنی سرکوب مردم ایران، طوری استفاده کنید که خبر آن به رسانه های خارجی درز نماید. و فی المثل "انتقاد سازنده" آنها به سرکوب خونین مردم زحمتکش اسلام

براحتی میتوان به بنیانها و اهداف مشترک آنها پی برد. هر دو این سیاستها رسماً اعلام میکنند که خواستار سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی نبوده و قصدشان صرفاً "تغییر" و "تصحیح" برخی از سیاستهای "غیرقابل قبول" این رژیم میباشد. به این ترتیب معلوم میشود که آنهمه باصطلاح ایبراد و انتقاد و اعتراضاتی که امریکا و اروپا به جمهوری اسلامی وارد میکنند و علیرغم آن همه تلاشی که امریکا ظاهراً برای "منزوی" کردن و "منفور" جلوه دادن این رژیم بکار میبرد هیچکدام از طرفین خواهان سرنگونی رژیم حاکم بر "پایتخت تروریسم" نمیشوند و لحظه ای نیز از بیان این امر کوتاهی نمیکند.

بنابر این برعکس ابلهانی که به چنان تبلیغات و سیاستهایی دل خوش کرده اند قدرتهای امپریالیستی در ورای این تبلیغات و ادعاهای پیام روشنی به سردمداران جمهوری اسلامی میدهند که از هر "تهدید"، "تحریم" و "انتقاد" واقعی تر بوده و باعث دلگرمی رهبران رژیم در پیشبرد سیاستهای ضدانقلابی شان میباشد. پیامی که در طول حیات جمهوری اسلامی همواره و به اشکال مختلف برای سردمداران این رژیم ارسال گشته و امپریالیستها در عمل هم نشان داده اند که تا کنون در حفظ و حراست از این رژیم تا چه حدی جدی بوده و "امدادات غیبی" شان هیچگاه از رژیم "یاغی" حاکم بر ایران دریغ نگشته است.

گذشته از آنچه گفته شد از آنجا که دو

**مرگ بر امپریالیسم و سگهای زنجیریش !**

شهر" که از زمین و هوا وحشیانه به رگبار بسته شدند این خواهد بود که چرا نتوانستید مساله را با سروصدای کمتری حل نمایید!! و یازمانی که سیاستمداران آلمان در حال پذیرایی برای مثال از یکی از جلادان جمهوری اسلامی به نام فلاحیان میباشند و از این فرصت برای "انتقاد سازنده" به او بخاطر نقش کثیفش در کشتار رستوران میکونوس استفاده میکنند!! بازرگانان آلمانی نیز فرصت را در جهت تهیه و تدارک وسایل شکنجه و ترور ساواک جمهوری اسلامی از دست نمیدهند. خلاصه رسوایی سیاست "دیالوگ انتقادی" واضح تر از آن است که نیازی به تاکید داشته باشد. اما در مورد سیاست "مهار" باید بگویم مقامات امریکا که در تبلیغات خود از ضرورت "اعمال فشارهای شدید اقتصادی" و "تحریم" جمهوری اسلامی سخن میگویند و "طرد" و "منزوی" ساختن این رژیم را به همکاران اروپایی خود گوشزد مینمایند و در زمینه مخالفت ظاهری با جمهوری اسلامی تا آنجا پیش میروند که وزیر امور خارجه امریکا میگوید: "به هر طرف نگاه کنید دستهای شیطانی ایران را در منطقه می بینید"، در عمل به روابط اقتصادی خود با رژیم البته از راههای غیرمستقیم ادامه میدهند. این واقعیتی است که سیل کالاهای امریکایی به سوی بازار ایران سرازیر است و مقامات امریکایی به روی خود نمی آورند که چگونه کالاهای امریکایی از طریق طرفهای ثالث و از جمله ترکیه، پاکستان و دوبی به سهولت به ایران صادر شده و جمهوری اسلامی عملاً مشکلی در زمینه دستیابی به این کالاها ندارد. به غیر از این شرکتهای امریکایی که در حال حاضر علیرغم تحریم جمهوری اسلامی با این رژیم در حال معامله هستند نیست بلندی را تشکیل

میدهند (\*) بخصوص باید از شرکت نفتی شورون نام برد که در میدانهای نفتی چنگیز در قزاقستان فعال بوده و با موافقت رسمی دولت امریکا قرار است نفت حاصل از این منطقه را در شمال ایران به جمهوری اسلامی تحویل داده و روزانه از ترمینال خارک همان مقدار نفت دریافت نماید. راستی جایی که دولت امریکا ادعا میکند که از عدم همکاری اروپا در تحریم ایران دچار "سردرگمی" شده است در رابطه با این معامله کلان اقتصادی از فرط "سردرگمی" به چه مستمسکی باید متوسل شود!؟

\* - برای نمونه دو شرکت امریکایی "انگرسول - راند" و "گارنر نور" اخیراً قراردادهایی برای فروش کمپرسور با جمهوری اسلامی امضاء نموده و شرکت "کاتر پیلار" برای استخدام پرسنل فنی و اداری مورد نیاز خود مبادرت به چاپ آگهی هایی در روزنامه های ایران نموده بود. و یسا وقتی که هواپیمای ایرباس آ - ۳۱۰ بنلیل از کار افتادن یک راکتور ساخت جنرال الکتریک از حرکت بازماند وزارت خارجه امریکا با تحویل قطعات یدکی از سوی جنرال الکتریک به جمهوری اسلامی موافقت کرد. در همین رابطه که خبرگزاری فرانسه گزارش میدهد که علیرغم تحریم جمهوری اسلامی شرکت "آی بی ام" لوازم و نرم افزارهای مورد نیاز شرکت ایران خودرو را تامین کرده و شرکت "هلموت - پاکارو" در نمایشگاه کامپیوتر که در تهران برگزار شد فعالانه شرکت نموده بود و یا در بخش حساس کامپیوتر، شرکت دیجیتال اخیراً از طریق یک کارگزار کانادایی تجهیزات مورد نیاز مرکز هواشناسی تهران را نصب کرده است. (پایان زیرنویس)

به این ترتیب با قاطعیت باید گفت که سیاست "مهار دوگانه" امریکا همانقدر رسوایی آور و فریبکارانه است که سیاست "دیالوگ انتقادی" اروپا. در عین حال امپریالیسم امریکا طبق معمول تحت پوشش مخالفت با جمهوری اسلامی و تقای این امر که این رژیم، رژیم مستقلی است که امریکا در تعیین سیاستهایش نقشی ندارد، هم نقش خویش را در جنایات جمهوری اسلامی لاپوشانی مینماید و هم از مخالفت هایش با این رژیم استفاده های جدیدتری میبرد. از جمله سیاست "مهاردوگانه" خود را به وسیله ای برای تحت فشار قرار دادن قدرتهای رقیب امپریالیستی قرار داده و به این وسیله میکوشد مصالح و منافع امپریالیستی خود را هرچه گسترده تر در سطح منطقه و جهان پیش ببرد.

این واقعیت بار دیگر به روشنی نشان میدهد که نیروهای خواهان آزادی و دمکراسی تنها زمانی حقانیت خود را حفظ میکنند که بر علیه سیاستهای امپریالیستی در هر شکل و فرم خود موضع گرفته و خواهان نابودی سلطه امپریالیسم در ایران باشند. و در شرایطی که جمهوری اسلامی کانال اصلی گسترش سلطه امپریالیسم بوده و مانع اصلی تحقق خواستهای کارگران و زحمتکشان میباشد تنها سیاست انقلابی تلاش در جهت سرنگونی این رژیم دمنش و افشای فریبکاری های امپریالیستی میباشد.



از صفحه ۱

رنگارنگ توده های  
زحمتکش، دشمنان  
دوست نمسا و

دوستان نادان خلق در مورد این انقلاب  
حاصل گردد.

## در نقد تحریف درسهای انقلاب ۵۷

اولین تحریف در خصوصیات و اهداف انقلاب بهمن از طرف مزدوران جمهوری اسلامی به عمل آمد که این انقلاب را انقلابی به خاطر اسلام نامیده و رژیم ضدخلفی جمهوری اسلامی را که محصول سازش خمینی و دار و دسته اش با امپریالیسم امریکا و یا به زبانی دیگر ناشی از یارگیری جدید امپریالیسم در ایران و تجدید آرایش نیروی او بود، دست آورد قیام شکوهمند توده ها در ۲۱ و ۲۲ بهمن جا زدند.

شاه دوست ها و سلطنت طلبان در تلاش برای لاپوشانی جنایات نیم قرن سلطنت پهلوی در حالیکه میکوشند خاطره فجایع و وحشیگریهای دوران شاه و رضا خان قلدر را از ذهن پاک کنند، خیزش یک پارچه توده های میلیونی بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه را محکوم و انقلاب توده ها را "قاجعه" میخوانند. اینان آشکارا یا تلویحا توده های مبارز ایران را بدلیل دست زدن به انقلاب مورد سرزنش قرار داده و مآلا آنها را مسئول و مسبب اوضاع دهشتبار فعلی در ایران جلوه میدهند. البته جای تردید نیست که بدلیل رو بودن عملکردهای جنایت کارانه هم سلطنت طلبان و هم رژیم جمهوری اسلامی، حنای هیچکدام از آنها در نزد توده ها رنگی ندارد و در میان کسانی که حتی فقط از حداقل آگاهی انقلابی برخوردارند، مهمالت آنان شنونده ای پیدا نمیکند. با اینحال با توجه به این واقعیت که تحریف انقلاب بهمن به این دو

دسته ختم نمیشود، در بین کسان دیگری نیز که به ارائه نظر در مورد این انقلاب میپردازند گاه انعکاس نظرات دو دسته اخیر را میتوان مشاهده نمود.

دسته سوم که بسته به اوضاع و احوال و موقعیت خویش به ارائه نظر در مورد انقلاب بهمن و به جمع بندی درسها و تجارب آن میپردازند، امروز طیف وسیعی با اینتولوژی های رسمی متفاوت و گروه بندیهای سیاسی مختلف را در برمیگیرد. از جمله نظرات مطرح شده در میان این دسته آن است که گویا انقلاب بهمن صرفا بدلیل ضدیت با شاه و رژیم سلطنتی برپا شد و از اینرو آن را انقلابی بر علیه شاه و ضدسلطنتی میخوانند. البته اینان دیگر تصریح نمیکنند که رژیم شاه و سلطنت تجلی قدرت و منافع چه طبقه ضد انقلابی در ایران و حافظ منافع چه قدرتهای خارجی (امپریالیستها) بود تا دریابند که صرف سقوط رژیم شاه و نابودی سلطنت هدف انقلاب نبود بلکه مردم ایران بر علیه سلطه بورژوازی وابسته و امپریالیسم بپاخاسته بودند. همین درک نادرست از انقلاب بهمن بود که در ابتدا باعث شد اکثر نیروهای سیاسی، آن را انقلابی پیروزمند خوانده، از "بهار آزادی" سخن گفته و رژیم خمینی را با تحلیل های گمراه کننده بمثابة رژیمی ملی، خرده بورژوازی یا دارای ماهیت دوگانه و غیره مورد تائید قرار دهند.

امروز با توجه به مصائب دهشتناکی که رژیم جمهوری اسلامی به مردم مبارز ایران تحمیل نموده و با توجه به نفرت بی حد و حصر توده های ما از این رژیم،

طبیعی است که کمتر کسی حاضر شود از پیروزی انقلاب بهمن سخن بگوید. با اینحال

عدم طرد ایده ای که هدف انقلاب بهمن را صرفا نابودی رژیم شاه و سلطنت قلمداد مینماید، امکان طرح ایده های انحرافی دیگر را باز گذاشته و لذا هر بچه مدرسه ای اجازه یافته است خود را متخصص در امور انقلاب بهمن جا زده و مثلا با منطق ارسطویی اقتدا صغرا و کبرای خود را بچیند که: "وقتی میگوییم انقلاب ضدسلطنتی یعنی اینکه هدف انقلاب و حداقل آن هدفی که در پی یافتنش بود، سرنگون کردن رژیم شاه و شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله بود. این رژیم در چه روزی سرنگون شد؟" و خود پاسخ بگوید: "اگر هدف از انقلاب ۵۷ نفی سلطنت بود، این خواسته با فرار شاه محقق شد و تاریخ آن ۲۶ دیماه ۱۳۵۷ بود" و آنگاه باصطلاح ثابت کند، پس "انقلاب ۵۷ یک انقلاب مسالمت آمیز بود" و "پس این ادعا که انقلاب ۵۷ اساسا با ورود عنصر قهر مسلحانه به نتیجه رسید، صرفا توجهی بر عدم حضور و بی عملی سازمانهای مسلح چریکی است که در آن مرحله یا از صحنه غایب بودند یا در انزوای اجتماعی به سر می بردند" (۱) (رجوع کنید به ایران تایمز شماره ۱۲۸۴- انقلاب مسلحانه یا غیر مسلحانه- علی فراستی). این اظهار نظر البته قبل از هر چیز انسان را به یاد سخن قدیمی سردمداران جمهوری اسلامی میاندازد که مدعی شدند انقلاب بهمن با سلاح الله اکبر به پیروزی (!) رسید و از همان آغاز تبلیغات خود را بر علیه جنبش چریکی نیروهای انقلابی و مترقی سازمان دادند. ولی در پاسخ به ادعای فوق الذکر باید گفت این چه انقلاب مسالمت آمیزی بود که در طی آن خون هزاران انسان

آزاده بر زمین ریخته شد؛ که مراسم هفتم و چهلم هر شهید در طی تظاهرات خونین به تظاهرات خونین دیگری می انجامید؛ که وقایع خونین و جنایتکارانه ۱۳ آبان و ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) تنها نمونه های برجسته ای در این انقلاب هستند که نشان از سرکوب مسلحانه (نه مسالمت آمیز) انقلاب توسط ارتش ضدخلفی ایران را میدهند. از جنبه دیگر اولاً این حقیقتی انکارناپذیر است که روند مبارزه مسلحانه ای که از سیاهکل آغاز شده بود و آنرا باید پیش در آمد انقلاب بهمین و یا روند آغازین آن شمرد، بدلیل حمایت معنوی و مادی توده ها از چریکها کماکان در سطح جامعه جریان داشت. نمونه زنده بودن آن "عصر قهر مسلحانه" را میتوان در حمله مسلحانه به رادیو و تلویزیون دید که در طی آن رفیق قاسم سیادت به شهادت رسید. ثانیاً فرار شاه در ۲۶ دیماه نقطه پایان انقلاب برای مردم ایران نبود. انقلاب ۵۷ بعد از فرار شاه کماکان جریان داشت و در ۲۱ و ۲۲ بهمن با قیام مسلحانه توده ها به اوج خود رسید و سپس علیرغم شکست قیام، در مبارزات گسترده مردم بر علیه نظام و بخصوص بطور مسلحانه در ترکمن صحرا و کردستان تداوم یافت.

اما از جنبه تحریف در اهداف و خصوصیات انقلاب بهمین که بگذریم، اخیراً در نوشتجات مربوط به جمع بندی و یا در سهای این انقلاب نکته جدیدی به چشم میخورد که باید روی آن تامل نمود.

همانطور که میدانیم تا کنون در برخورد به انقلاب بهمین سخنی هم از دسیسه های نواستعماری و نقش امپریالیسم در این انقلاب در بین نبود (۲) و تحلیلهای و نظرات ما همواره مورد "تمسخر" و پرخاش واقع میشد که گفته و میگوییم دارو دسته خمینی

در اثر سازش با امپریالیستها به اریکه قدرت تکیه زدند و این امپریالیسم امریکا بود که در مرحله ای از اوج گیری جنبش توده ها، در هراس از این جنبش و برای جلوگیری از رادیکالیزه شدن هر چه بیشتر آن بتدریج دست از حمایت شاه برداشته و در حالیکه چرخ تبلیغات گسترده خود را به نفع خمینی کوک کرده بود در شرایط فقدان یک رهبری انقلابی و تسلط اپورتونیسیم بر سازمان چریکهای فدایی خلق بمثابه تنها سازمان کمونیستی مورد اعتماد بخش بزرگی از توده ها، از او باصطلاح رهبر "بلامنازع" ساخت که برای فریب توده ها فریاد مرگ بر امریکا سرمیداد. تا کنون تحلیل ها در مورد علت روی کار آمدن خمینی و حکومت مذهبی در ایران غالباً در این حدود دور میزد که گویا مردم بدلیل اعتقاد شدید به مذهب به حاکمیت جمهوری اسلامی تن دادند و یا این امر بدلیل عدم وجود کافی روحیه دمکراتیک در آنها حاصل شده و یا هنوز مہمالتی از این قبیل به گوش میرسد که: "قرار گرفتن نیروهای مرتجع مذهبی در موقعیت رهبری انقلاب بهمین، امری تصادفی و اتفاقی نبود و در عمل نشان داد که نیروهای مخالف پیشرفت و تحول دمکراتیک در بطن جامعه ایران تا چه میزان قدرتمند میباشند." (نقل از نشریه اتحاد کار شماره ۲۲) (۳). اتفاقاً این قبیل باصطلاح تحلیل گران انکار نمیکنند که شاه طی کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ از طرف امپریالیسم امریکا مجدداً بر سرکار گمارده شد و رژیم شاه رژیمیی وابسته به امپریالیسم بود و میپذیرند (البته بهتر است بگوییم می پذیرفتند، چرا که بعد از استقرار رژیم خمینی همه آنچه را که قبلاً میگفتند فراموش کردند) که ایران بدلیل دارا بودن منابع نفتی و موقعیت سوق الجیشی در خلیج فارس و منطقه نفت خیز خاور میانه از اهمیت حیاتی برای

امپریالیستها برخوردار است. بخصوص که تا چند وقت اخیر فاکتور هم مرز بودن ایران با اتحاد جماهیر شوروی (سابق) نیز مطرح بود. بسیار از اینان در دوره شاه حتی از اینکه امپریالیسم در شئون مختلف جامعه ما، در شئون اقتصادی، سیاسی و نظامی آن دارای نفوذ کامل میباشد، دم زده بودند. ولی همین ها پس از روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی بر راحتی و ساده لوحانه شکست و نابودی قطعی امپریالیسم در ایران را فرض گرفتند و "متقاعد" شدند که گویا "ارتجاع مذهبی" امپریالیسم را بر استی از ایران بیرون رانده است. حالا دیگر در دیدگاه و برداشت های آنان امپریالیسم آن نیروی واقعی که برای حفظ کمترین منافع خود به وحشیانه ترین اعمال دست یازیده و از هیچ جنایت و خونریزی در حق خلقهای مبارز جهان گریزان نیست، نبود. این "امپریالیسم" نه فقط برای حفظ منافع حیاتی خود در ایران جرات لشکرکشی به ایران را نداشت، بلکه هراسان از فریادهای ا الله اکبر (!؟) فلنگ فرار را بسته و خیلی زود رژیم جدید را مورد شناسایی رسمی خود قرار داده بود. اینان هرگز فکر نکردند که اگر کمترین شکی در سرسپردگی خمینی و اعوان و انصارش به امپریالیسم وجود داشت و اگر امپریالیستها از حفظ و حراست منافع حیاتی خود در ایران و خاور میانه توسط رژیم جدید مطمئن نبودند، به هر وسیله ای برای جلوگیری از استقرار آن دست میزدند و حتی به قیمت برپایی ویتنام دیگری نیز بود به جنگ و مقابله خونین با توده های مبارز ایران میپرداختند.

بله تا کنون غالباً اینطور جلوه داده میشد که رژیم خمینی بدون دخالت خارجی بر سرکار آمده و بدون اینکه حتی اشاره ای

به نقش امپریالیسم در فریب توده ها و ایضا روشنفکران ایران بشود، قدرت گیری رژیم جدید با برجسته کردن ضعف ها و عوامل منفی ای نظیر مذهب در بین توده ها توضیح داده میشد. امروز به نظر میرسد که ورق دارد برمیگردد و ما در اینجا و آنجا شاهدیم که کسانی ظاهرآ متوجه رد پای امپریالیسم در انقلاب بهمن و "سازش های پشت پرده" شده اند. مسلماً اگر طرح و واقعیاتی در این زمینه با مخدوش کردن حقایق دیگر همراه نباشد باید به قدردانی از آن پرداخته و از چنین روندی استقبال نمود. ولی نمونه هایی که در زیر به آنها اشاره خواهد شد، نشان میدهند که چندان نمیتوان در این رابطه خوشبین بود.

اولین نمونه که البته نیت بدخواهانه نویسنده اش بیش از آن آشکار است که احتیاج به توضیح داشته باشد، مقاله فوق الذکر در ایران تایمز میباشد. در این مطلب نویسنده کلا در صدد است این عقیده کهنه و ارتجاعی و صدالبته دروغ را به خواننده بقبولاند که: "مهمترین و بزرگترین تغییر و حرکت اجتماعی در تمامی تاریخ چند هزار ساله ایران با حضور تمامی مردم و طبعا بدون اعمال قهر از جانب مردم به نتیجه رسید...." (تاکید از ماست)

وی برای اثبات اینکه انقلاب گویا ضدسلطنتی ۵۷، در ۲۶ دیماه با فرار شاه متحقق شد و برای اینکه از این گفته نتیجه غیرمسلحانه بودن انقلاب بهمن را گرفته و بقول خود ادعای گروههای "چپ و چپ نما" مبنی بر اینکه "جز با عنصر مسلحانه هیچ تغییری در جامعه ایران عملی نبوده و نیست" را رد نماید، با لکنت زبان و جویده جویده روی حقیقتی انگشت گذاشته و

مطرح ساخته است: "در واقع براساس سازش های پشت پرده قرار بر این بود که پروسه انتقال قدرت به خمینی توسط بختیار و (در) یک روند تدریجی سه ماهه انجام شود تا بافت ارتش تغییر نکند. ولی این روند تدریجی با ورود عنصر قهرآمیز در ۱۹ بهمن تسریع شده و این تحول باعث سقوط دولت بختیار و به هم ریختن برنامه انتقال آرام بود....". در اینجا با اینکه نویسنده از سازش های پشت پرده سخن میگوید ولی نخواستہ است با کنار زدن پرده و نشان دادن آنچه در پشت میگذشت، عناصر و عوامل سازش را به خواننده بنمایاند. ولی ما با تاکید بر ملاقات ها و مذاکرات پشت پرده ای بین بازرگان و بهشتی و اردبیلی از یک طرف و مقامات امریکایی از طرف دیگر و یا ملاقات رمزی کلارک - با شخص خمینی و همینطور ملاقاتهای سران ارتش (مشخصاً ارتشبد قره باغی) با بازرگان و دیگر فعالیت های سیاسی نامبردگان و دیگر دست اندرکاران مرتجع آن دوره تاکید میکنیم که به همانطور بود. وقتی بختیار در بیانیه رسمی وزارت امور خارجه امریکا مورد تایید قرار میگرفت هم سایر وسوس و کراتر و هم دیگر سیاستمداران وقت امریکا خوب میدانستند که طرح ضد انقلابی بعدیشان برای انقلاب ایران چیست و قصد چه توطئه هایی را دارند. در همان زمان بود که کنفرانس گوادولوپ تشکیل و سران چهار کشور بزرگ امپریالیستی - امریکا، فرانسه، انگلیس و آلمان - تصمیم قطعی خود را مبنی بر دست کشیدن از حمایت از شاه اتخاذ نموده و آنرا آشکار ساختند؛ و در همان زمان بود که ژنرال هويزر معاون یکی از برجسته ترین مقامات نظامی امریکا به ایران فرستاده شد. ماموریت اصلی وی تفهیم سیاست جدید امریکا به

فرماندهان ارتش، حفظ بافت ارتش و یکپارچگی آن و بالاخره انتقال ارتش به حکومت جدید بود. ارتش باصطلاح شاهنشاهی و در واقع امپریالیستی می بایستی با "امام امت" بیعت کند و نام ارتش اسلام به خود بگیرد. اگر به تصریح و تصحیح ادامه مطلب بپردازیم باید تاکید کنیم که به ۲۲ بهمن که خارج از طرح ها و محاسبات امپریالیستی صورت گرفت موجب تسریع در روند انتقال آرام قدرت از طرف امپریالیسم امریکا به خمینی و دار و دسته ضد انقلابی اش شد. اما در واقع قیام بهمن در اوج اعتلای روحیه انقلابی توده ها صورت گرفت و تجارب بزرگی به آنان آموخت. در نتیجه اگر بعد از آن دو روز بزرگ تاریخی این تصور غلط را دامن زدند که رژیم خمینی محصول قیام بهمن بوده است، توده ها نیز با اتکا به قیام خود و با آگاهی ای که در اثر آن نسبت به قدرت عظیم خود کسب کرده بودند، با جسارت هرچه بیشتری به طرح خواستهای انقلابی و انتظارات خویش از انقلاب پرداختند، تا آنجا که دست اندرکاران رژیم جمهوری اسلامی را با مشکلات و دشواری های زیادی مواجه ساخته و بالاخره آنها را مجبور نمودند نقاب از چهره برگرفته و صورت کثیف و جنایتکارانه خود را بطور عریان به نمایش بگذارند.

اما از واقعیت فوق چه نتیجه ای حاصل میشود؟ مسلماً در درجه اول این نتیجه که خمینی نیز همانند شاه - اگر چه در پروسه ای متفاوت - توسط امپریالیسم امریکا برسرکار آورده شد و به عبارت دیگر رژیم جمهوری اسلامی با یک دسیسه نواستعماری به مردم ایران تحمیل گردید. بنابراین به نویسنده مطلب مندرج در ایران

تایمز باید گفت جای تعجب نیست. این تغییر در جامعه ایران حقیقتاً که به "عنصر قهر مسلحانه" نیازی نداشته است و اگر معیار همین "تغییر" باشد باید گفت این "چپ ها و چپ نماها" به نادرست میگویند که "جز با عنصر مسلحانه هیچ تغییری در جامعه ایران عملی نبوده و نیست. (!!) البته ما دیگر تاکید نمیکنیم که حتی همین تغییر (که در طی آن امپریالیسم امریکا مجبور شد شاه سگ زنجیری دست آموز خود را فدا کرده و دست به آرایش نیروی جدیدی در ایران بزند و از این رهگذر توده ها آگاهی و تجربه و الایی نسبت به عملکرد های توطئه آمیز دشمنان خود بدست آورند) خود بدون "عنصر قهر مسلحانه" بدست نیامد. ولی اگر قرار به تغییری واقعی در جامعه ایران بود وضع به چه صورتی درمی آمد؟

بباید تصور کنیم که امپریالیسم امریکا که سکان ارتش ایران را بدست داشت (و امروز کماکان بدست دارد) از پیش زمینه را برای انتقال آرام قدرت به رژیم خمینی فراهم نکرده بود و یا به هر دلیل ماموریت ژنرال هویزر در ایران با شکست مواجه شده بود، در این صورت درگیری توده های مسلح با ارتش چه اوضاع و احوالی میتوانست بوجود آورد. آیا ارتش دست روی دست گذاشته و با "مصالحه جویی" به توده های مسلح که در همه جا نظم امپریالیستی موجود را به مبارزه طلبیده بودند، اجازه میداد این نظم را به هم زده و مثلاً در هر کارخانه و مرکز تولیدی در هر روستا و ..... همه جا نظم دلخواه خود را برقرار نمایند؟! برای پاسخ به این سوال بدون آنکه لازم باشد قوه خیال و تصور خود را به کار اندازیم، کافی است تلاش انقلابی خلقهای کرد و ترکمن صحرا برای ایجاد تغییر واقعی در مناسبات موجود را

## پاروقی ها:

۱- کسی از حسن و حسین دختران معاویه یاد میکرد. به او گفتند اولاً حسن و حسین نیست حسن و حسین است. ثانیاً آنها دختر نبودند. ثالثاً فرزندان معاویه نبودند و بالاخره اینکه آنها پسران علی بودند. در رابطه با اظهار نظر فوق نیز باید گفت اولاً انقلاب ۵۷ صرفاً ضد سلطنتی نبود بلکه اساساً یک انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی بود. شاه برای توده های مردم بعنوان نوکر و مزدور امپریالیسم امریکا در ایران بشمار میرفت و توده ها در سرنگونی رژیم شاه و برچیده شدن سلطنت، استقلال ایران از قید امپریالیستها و آزادی و تامین بهتر زندگی خود را جستجو می نمودند. به همین دلیل نیز توده ها بعد از فرار شاه از ایران انقلاب را ادامه داده و شعار "بعد از شاه نوبت امریکاست" را سردانند. ثانیاً انقلاب ۵۷ اصلاً به نتیجه نرسید به این معنی که به اهداف خود نایل نگشت. چون رژیمی که بعد از وقایع تاریخی ۲۱ و ۲۲ بهمن بر سر کار آمد یعنی رژیم خمینی نه دمکرات بود و نه ضد امپریالیستی. ثالثاً این درست است که اصولاً قدرت قبل از قیام مسلحانه بهمن از طرف امپریالیسم به خمینی تفویض شد (بیهوده نبود که وقتی توده ها در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن به زراد خانه رژیم شاه حمله بردند، مرتجعین و عناصر وابسته به آنها سر اسیمه از توده ها خواستند که دست به اسلحه نبرند و فریاد زدند به خانه های خود برگردید هنوز اعلام جهاد نشده است) ولی قیام شکوهمند و مسلحانه توده ها در آن دو روز تاریخی جزء بسیار مهم و برجسته ای از پروسه "انقلاب ۵۷" بشمار میرود و نمیتوان از "انقلاب ۵۷" بدون این "عنصر قهر مسلحانه" صحبت کرد. رابعاً تا آنجا که به جنبش چریکی مربوط میشود،

به خاطر آوریم. آنها که حتی بعد از تغییر رژیم و استقرار مجدد ارتجاع نیز دست از تحقق خواستهای انقلابی خود برنداشتند. آیا ارتش ضد خلقی که حالا دیگر حتی آب توبه نیز روی خود ریخته و ظاهراً نمیایست همچون قبل مبارزات توده ها را به خاک و خون بکشد، جز به درگیری مسلحانه با این توده ها برخاست؟! واقعیت این است که در آن دوره انقلابی، در زمان شاه، اگر خمینی از در سازش با امپریالیسم دریامده و توده ها امکان و فرصت آن را می یافتند که بدون آنکه از طرف مرتجعین مذهبی کنترل شوند، در جهت تحقق خواستهای انقلابی، مبارزات خویش را گسترش و اعتلا بخشند، در همه جا درگیریهای مسلحانه بین توده ها و نیروهای سرکوبگر جریان می یافت. ضمناً در چنین اوضاعی "نیروهای مرتجع مذهبی" هم نمیتوانستند بطور بلامنازع در راس جنبش خلق قرار گیرند. چرا که در تامین منافع مادی خویش مردم به آن نیروهای سیاسی تکیه میکردند که در عمل مدافع خواسته های آنها و پیشبرنده مبارزاتشان بودند. از اینجاست که مجدداً باید تاکید کرد که تداوم هرگونه پشتیبانی از رژیم شاه توسط امپریالیسم و کوشش در حفظ آن منجر به رادیکالیزه شدن هرچه بیشتر جنبش خلق و افشای چهره پس مانده های مرتجع و ضد انقلابی می گشت که تحت پوشش شعار کلی و عمومی "مرگ بر شاه" خود را در صف توده های انقلابی جا زده و با خیانت به اعتماد توده ها وظیفه حفظ و حراست از منافع امپریالیستها و بورژوازی وابسته در ایران را به عهده گرفتند.

ادامه دارد





## جمهوری اسلامی و تشدید سرکوب توده ها

است. قیمت‌ها حتی ساعت به ساعت بالا می‌روند و تنها در سه ماهه اول امسال قیمت مواد سوختی بین ۳۰ تا ۵۰ درصد گران شده که تاثیر بلاواسطه خود را در رشد سرسام آور قیمت سایر اقلام اساسی زندگی بر جای گذارده است. حتی نان خالی که بسیاری از خانوارهای زیر سطح فقر قدرت تامین سه وعده آن برای سیر کردن شکمشان را ندارند نیز گران و قیمت آن در برخی موارد تا ۱۰۰ درصد نیز افزایش یافته است.

در چنین شرایطی و به موازات رشد روزافزون تنفر توده ها از وضع موجود، حکومت باصطلاح مستضعفان ناتوان از چاره اندیشی برای معضلات بیشمار اقتصادی - سیاسی حاکم بر جامعه، سلاح سرکوب را بیرون کشیده و با اتکاء به آن به گسترش جو رعب و وحشت و خفقان در جامعه پرداخته است. آنچه در زیر می آید نمونه هایی در تایید این واقعیت است که چگونه سران حکومت به بهانه های مختلف در ماههای اخیر کنترل ماشین نظامی بر حیات مردم را شدت بخشیده اند تا اهداف ضدانقلابی خود را بر علیه جنبش توده ها تحقق بخشند. در ضمن باید یادآور شد که در متن چنین اوضاع و احوالی است که رژیم جمهوری اسلامی گسترده ترین ممانور نظامی سالهای اخیر را با بکارگیری حجم وسیعی از نیروها و تجهیزات ماشین سرکوب خود زیر نام "مانور ولایت" در کوشک نصرت قم سازمان داد و فضای سیاسی جامعه را با لشکرکشی بیش از ۲۰۰ هزار تن از نیروهای سرکوب و نمایش عملیات فرضی آنها تحت الشعاع قرار داد. تبلیغات

عظیمی که حول این مانور به راه افتاد نشانگر اهمیت موضوع از سوی سران رژیم جمهوری اسلامی بود. بطور مثال معاون وزیر اطلاعات رژیم، مانور فوق را "تصویری" از یک "جنگ داخلی" خواند. سایر مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی نیز در توضیح اهداف مانور صراحتاً از "ایجاد ترس و وحشت" در صفوف "دشمنان جمهوری اسلامی" و "قدرت نمایی" رژیم دم زدن. همزمان با این لشکرکشی وسیع و کوشش در ایجاد فضای رعب و وحشت با انجام "مانور ولایت" در جامعه بود که سری جدید عملیات سرکوب بر علیه توده ها در عرصه های مختلف آغاز و خیلی زود دامنه گرفت و جو خفقان و کنترل در جامعه ابعاد هر چه وسیعتری یافت.

### تشدید سرکوب زیر نام "امر به معروف و نهی از منکر"

اولین موج سرکوب با اعلام هفته "امر به معروف و نهی از منکر" در اول خرداد ماه آغاز شد که در طی آن ۲۳۰ هزارتن از نیروهای انتظامی سراسر استان تهران را به تصرف خود درآورده و به آزار و انیت و بگیر و ببند زنان و جوانان پرداختند. در جریان این تهاجم نیروهای رژیم که سران حکومت برای تقویت آنها بسیاری از اعضای بسیج روستاها را نیز گسیل کرده بودند با استقرار هزاران چادر در نقاط حساس و کلیدی استان تهران به تفتیش و بازرسی مردم پرداختند. در نتیجه بسیاری از جوانان و زنان با بهانه های واهی نظیر زدن عینک و یا پوشیدن لباسهای آستین

کوتاه و ... تحت عنوان "عدم رعایت موازین اسلامی" دستگیر و مورد توهین قرار گرفته و یا حتی ضرب و شتم شدند. با پایان هفته امر به معروف، نیروهای انتظامی رژیم وظیفه تداوم مأموریت سرکوبگرانه خود را به انصار حزب الله دادند. این گروه که دسته ای متشکل از کثیف ترین اوباشان و مزدوران جمهوری اسلامی است و در ماههای اخیر با حمایت مستقیم مقامات حکومتی اعمال جنایت بار بیشماری را در جامعه بر علیه توده ها مرتکب شده است، در تاریخ ۵ خرداد ماه و در آخرین روز هفته "امر به معروف" به خیابانها گسیل شده و به راهپیمایی و شعار دادن بر علیه "منکرات" و توهین به مردم پرداختند. در این راهپیمایی، جنتی یکی از سردمداران رژیم نیز با سخنان تند و تیز خود به خط و نشان کشیدن بر علیه توده ها و بویژه زنان و جوانان و تهدید آنها پرداخت. از این تاریخ به بعد انصار حزب الله طی یک برنامه منظم به "گشت زنی" در سطح پایتخت پرداخته و به بهانه های مختلف برای مردم مزاحمت ایجاد می نمایند. این گروه که هیچ تجمعی را از حوزه دخالت خود مصون نمیگذارد، در تاریخ ۱۷ خرداد ماه با حمله به زنان و دختران در بیست دوچرخه سواری مخصوص زنان در چیت گر به فحاشی و ضرب و شتم زنان پرداخته و با نامیدن این محل به عنوان یک "محیط ناسالم" آن را تعطیل کرد. در همین اوضاع و احوال بود که وزیر کشور رژیم ضمن تهدید زنان به رعایت حجاب اضافه نمود که اگر زنان لباس مبتذل بپوشند با آنان همچون "قاچاقچی" برخورد خواهد شد. درست یک روز پس از این تهدیدات از سوی وزیر

هرگونه مخالفت با دیکتاتوری امپریالیستی حاکم را به توده ها گوشزد کرده و نیروهای سرکوبگر را در انجام قاطعانه تر وظایف ضدخلفی خود تشویق میکنند. در این چارچوب رفسنجانی در تاریخ ۹ تیرماه پس از بازدید از نمایشگاه موسوم به "آخرین دستاوردهای فنی و تکنولوژیک وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی" در جمع رؤسا و کارگزاران ساواک این رژیم تاکید کرد که "نیروهای امنیتی و اطلاعاتی همواره باید با شدت و قاطعیت با تخلفات و افراد برهم زننده نظام و امنیت جامعه برخورد کنند". در همین روز مقامات شورای عالی امنیت رژیم نیز مصوبه ای را از تایید گذرانده و اخطار کردند که "تمام کسانی که سلاحهای غیر مجاز در دست دارند موظفند از تاریخ ۹ تیر تا ۲۲ مرداد آنها را تحویل مقامات ذی ربط بدهند" و گرنه به "سه تاده سال زندان" محکوم خواهند گشت. وزیر کشور رژیم در توجیه این مصوبه تاکید نمود که "وجود سلاح در دست مردم میتواند منجر به ناامنی در کشور" شود و به این ترتیب او اوج هراس رژیم از امکان وجود سلاح در دست توده های ناراضی و به جان آمده را به نمایش گذارد.

### هجوم به دانشگاهها

همزمان با بگیر و ببند وسیع مردم توسط ماموران حکومت، در ماههای اخیر مقامات جمهوری اسلامی تهاجم وسیعی را به دانشگاهها سازمان داده اند. هیات حاکمه که در چند ماه اخیر و بویژه به دنبال درگیریهای دانشجویان در دانشگاه امیر کبیر (که در طی این درگیری شعارهای مرگ بر رژیم و مرگ بر فاشیسم ظنین افکند) از گسترش موج مقامات و مخالفت با دیکتاتوری جمهوری اسلامی در صفوف دانشجویان به وحشت افتاده اند، بار دیگر

ظرفیت های سرکوب ماشین نظامی خود در جهت تشدید کنترل توده ها و ایجاد خفقان در نقاط مختلف کشور سود جسته اند. به طوری که در خرداد ماه جو بسیاری از شهرهای ایران بشدتی بیش از پیش پلیسی شده و مزدوران رژیم با حضور دائم در محلهای پررفت و آمد، به هر بهانه ای مردم را متوقف و آنها را مورد بازرسی بدنی و یا سوالهای گوناگون قرار دادند. در این رابطه بسیاری از توده های محروم دستگیر و به انحاء متفاوت مورد انیت و آزار مزدوران رژیم قرار گرفته اند. گزارشات منتشره در این مدت از وسعت حضور نیروهای انتظامی و بسیج ضدخلفی بر علیه مردم در شهرهای قزوین، اهواز و زنجان و..... خبر داده اند. افزون بر این، در اوقات نامبرده مقامات رژیم که از هرگونه تجمع مردم به هر بهانه و مناسبتی به شدت وحشت دارند، حتی دسته های عزاداری و مذهبی را نیز طی روزهای ۹ و ۱۰ خرداد (تاسوعا و عاشورا) به شدت زیر نظر گرفته و این مراسم مذهبی و اسلامی در شهرستانهای بزرگ - همچون تهران - زیر نظارت و کنترل شدید نیروهای انتظامی برگزار شده است. در هفته های بعد از مراسم عاشورا و تاسوعا موج دستگیری جوانان توسط نیروهای رژیم در شهرهای بزرگ ادامه یافته و به گزارش خبرگزاری فرانسه تنها در یک مورد در شهر شیراز ۴۳ جوان و از جمله ۱۲ دختر به جرم شرکت در یک جلسه مهمانی دستگیر و به زندان منتقل شدند.

موج جدید سرکوب در همه جا با اظهارات سران حکومت در باب ضرورت شدت عمل در برخورد با توده ها همراه شده است. مقامات حکومت در هر جا که فرصتی می یابند عواقب مرگبار

کشور باصطلاح معتدل جمهوری اسلامی، بار دیگر انصار حزب الله با حمله به سینمای افریقا در تهران مانع پخش فیلم "نون و گلدون" ساخته مخملباف که قبلا اجازه نمایش دریافت کرده بود، شدند.

### تصویب لایحه مجازات اسلامی توسط شورای نگهبان

در هماهنگی با اقدامات سرکوبگرانه رژیم، شورای نگهبان نیز روز ۶ خرداد، "لایحه مجازات اسلامی" که قبلا از تصویب مجلس گذشته بود را مورد تایید قرار داد. مفاد این لایحه بیان آشکار نقض وحشیانه ابتدایی ترین حقوق توده ها از سوی حکومت است. به طور مثال رژیمی که به دروغ همواره ادعا میکرده که در جمهوری اسلامی هیچ کس به خاطر ابراز عقیده مورد پیگرد و تعقیب قرار نمیگیرد، در این لایحه برای "تبلیغ" بر علیه جمهوری اسلامی "به هر نحو" تا یک سال حبس در نظر گرفته است. و یا برای توهین به "مقدسات اسلام" مجازات شلاق و حبس و برای عدم رعایت حجاب به جز شلاق، در این لایحه مجازات زندان در نظر گرفته شده است و..... در واقع جمهوری اسلامی که در سرکوب توده ها هیچ "قانونی" را رعایت نکرده، اکنون برای ارباب بیشتر و تشدید خفقان به "قانون" توسل می جوید و میکوشد تا با تصویب لوایح و قوانین سرکوبگرانه متعدد به جنایات خود بر علیه توده ها لفاقه قانونی دهد.

### تشدید کنترل و خفقان و تهدید به "قاطعیت"

به جرات میتوان گفت که در ماههای اخیر مقامات حکومت از بسیاری از

دانشگاهها را با یک طرح حساب شده آماج یورش خود قرار داده اند. آنان نخست از زبان خامنه ای فرمان "تداوم اسلامی کردن دانشگاهها" را سردادند. به دنبال این فرمان اوباشان "انصار حزب الله" با حمله به دانشگاههای مختلف به بگیرو و ببند دانشجویان و استادان بزعم رژیم "غیراسلامی" پرداخته و در چندین مورد استادان و دانشجویان را از سرکلاس درس بیرون انداخته و یا کتک زدند و به موازات این به ارباب دانشجویان مخالف پرداختند. به گزارش کیهان ۲۹ خرداد در دانشگاه موسوم به بهشتی دانشجویان حزب اللهی یک استاد را زیر عنوان "اهانت به حریم مقدس عفاف" کتک زده و او را از دفتر کارش بیرون انداختند. در دانشگاه اهواز نیز "انصار حزب الله" با تهیه طوماری بر علیه "هنرمند نمایان" شعار دادند. به موازات این سرکوبها روسای چندین واحد آموزش عالی در تهران، لرستان، بیرجند و رفسنجان بدون ذکر هیچ دلیلی عوض شده و رژیم روسای جدیدی را در این واحدها به کار گمارد.

بالاخره یزدی رئیس قوه قضائیه رژیم روز ۲۷ خرداد در جمع دانشگاهیان گفت که به دستور خامنه ای پیش نویس طرح "اسلامی کردن دانشگاهها" در "شورای انقلاب فرهنگی" تهیه شده که پس از "تایید" به مرحله اجرا گذارده میشود. در همین حال معاون فرهنگی آموزش عالی رژیم نیز خبر از تشکیل "ستاد اسلامی شدن دانشگاهها" در ایران با هدف "تهیه منابع اسلامی" برای دانشگاهها و "بهسازی فضای دانشگاهها" را داد.

### تهدید مخالفان درونی

دامنه موج سرکوب جدید رژیم حتی گریبان مخالفان درونی حکومت را نیز

گرفته است. رژیم جمهوری اسلامی که به سیاق گذشته مواظب است تا مبادا در شرایط تشدید بحران، تنشهای درونی بین جناحهای مختلف هیات حاکمه، فضایی هرچند جزئی برای رشد اعتراضات مردمی بر علیه کل سیستم آماده کند، در آغاز کار مجلس پنجم شروع به خط و نشان کشیدن برای مخالفان درونی حکومت کرده و از زبان "انصار حزب الله" آنها را علنا تهدید کرد. "انصار حزب الله" با انتشار اعلامیه ای ضمن استناد به "فرمان مورخ فروردین ۷۵ خامنه ای" از "شناسایی و بیرون انداختن" افراد باصطلاح لیبرال که توانستند از "چنگ قانون" و "مردم" گریخته و وارد مجلس شوند سخن گفتند. در این بیانیه که آشکارا از هشدار رژیم بر علیه دارو دسته های مخالف درون رژیم در شرایط بحران حکایت دارد گفته شده که "نمایندگانی که بخواهند با تشکیل جبهه هایی منفعت طلبانه مجلس را متشنج کنند از سوی اکثریت حزب اللهی نمایندگان باید سر جای شان نشانده شوند". به این ترتیب در شرایطی که سران جمهوری اسلامی از سوی جنبش توده ها خطرات جدی برای موجودیت خود و نظام حاکم احساس میکنند - و به همین دلیل سلاح سرکوب را بیش از پیش از نیام بیرون کشیده اند - اخطار آشکار به جناحهای مختلف حکومت حاکی از عزم جمهوری اسلامی برای از سر راه برداشتن و عدم تحمل هرگونه مخالفتی - هرچند جزئی و کوچک - از سوی اپوزیسیون درونی به منظور مقابله بهتر با نهضت توده هاست.

### موج اعدامهای وحشیانه و ترورهای جدید در خارج کشور

در ماههای اخیر جمهوری اسلامی به سیاق گذشته به یک سلسله اعدامهای

ددمشانه به منظور موثرتر ساختن دامنه خفقان و زهرچشم گرفتن از توده های ناراضی و خشمگین دست یازیده است. از زمره این اعدامها میتوان به کشتار ۵ تن از مردم فعال در درگیریهای ضدحکومتی در شهر تبریز به تاریخ ۲۶ اردیبهشت ماه اشاره کرد. ماموران رژیم این ۵ تن را وحشیانه با جرثقیل به دار آویختند و از آن وحشیانه تر جسد آنها را به قول فرماندار مزدور تبریز برای "عبرت" سایرین به عمد تا منتها بر روی دار در معرض نمایش قرار دادند. در ۳۰ اردیبهشت در کرمانشاه نیز ۲ نفر زیر نام "تجاوز به عفت" به دار آویخته شدند. روز ۱۹ خرداد به گزارش روزنامه همشهری ۲ تن دیگر به نامهای شهین سلطان مرادی و مجید علی همتی نیز به علت "قتل" و "زنا" در ارومیه وحشیانه سنگسار شدند و رژیم شدت قساوت خود در این عمل را با درج آن در اکثر روزنامه های حکومتی به نمایش گذارد.

در تیرماه رژیم در ادامه موج کشتار، ۳ زندانی سیاسی و از جمله احمد باختری عضو سچفا (اقلیت) را به رغم مخالفت و اعتراضات مجامع حقوق بشر و سازمان عفو بین الملل اعدام کرد. در تاریخ ۱۳ تیرماه نیز ۱۲ تن دیگر در همدان اعدام شدند. جدا از این رشته اعدامها مقامات حکومت با تبلیغات فراوان از دستگیری یک بانده از افسران نیروهای مسلح ارتش به جرم "جاسوسی" برای امریکا و عراق و ترکیه و اعدام یکی از آنها به نام سرهنگ سوسن آبادی خبر دادند و بالاخره در حالی که تنها ایست اعدامهای گزارش شده در چند ماه اول امسال افزایش چشمگیری نسبت به کل اعدامهای اعلام شده حکومت در سال گذشته را نشان میدهد، مقامات حکومت بر طبق گزارشات منتشره در نظر

دارند تا ۳۸ تن از زندانیان سیاسی مبارز را در تداوم جنایات خود از دم تیغ بگذرانند.

یورش سرکوبگرانه اخیر حکومت بر علیه نهضت توده ها مثل همیشه قربانیانی در ماورای مرزهای جمهوری اسلامی نیز گرفته است. با فعال شدن دوباره تروریستهای مزدور رژیم در خارج از کشور، روز ۱۰ خرداد تروریستهای رژیم در لبنان فردی به نام عبدالوهاب زهائی که از زندانیان سیاسی بوده و دو برادرش نیز به دست رژیم جلا جمهوری اسلامی اعدام شدند را مورد حمله قرار داده و او را مجروح کردند. مزدوران رژیم همچنین روز ۷ خرداد در ضامظلومان معاون وزیر آموزش و پرورش در زمان رژیم

ضدمردمی شاه و یکی از سنطنت طلبان فعال کنونی در پاریس را مورد حمله قرار داده و او را کشتند. موج اخیر سرکوب در ماههای اخیر که نمونه هایی از آن در فوق شرح رفت، در حقیقت امر بخشی از یک ضد حمله وسیع از سوی رژیم جمهوری اسلامی بر علیه توده هایی است که مقامات حکومت در شرایط تشدید بحران گریبانگیر نظام هر آن احتمال بر آمد و طغیان آنها - نظیر قیام زحمتکشان "اسلام شهر" - بر ضد دیکتاتوری حاکم را میدهند. با این تاکتیک جمهوری اسلامی میکوشد فضای خفقان و دیکتاتوری و سرکوب به عنوان سلاح اساسی خود در مقابله با بحران را هر چه گسترده تر ساخته و از کارگران عاصی و آماده انفجار زهر چشم بگیرد. درک این اوضاع برای توده

های آگاه و مقاوم ما به خاطر مقابله با آن ضروری است. بدون شک توده های مبارز ما برغم تمامی وحشیگری ها و جنایات جمهوری اسلامی، در تجربه مبارزاتی چند دهه اخیر خود به خوبی دریافته اند که تشدید سرکوب هیچگاه تا ابد نتوانسته موجودیت رژیمهای ضد خلقی را حفظ کند. تشدید سرکوب توده ها توسط جمهوری اسلامی قبل از هر چیز نمایانگر استیصال و هراس این رژیم از خیزش کارگران و زحمتکشان ماست. از ورای تمامی اقدامات وحشیانه ماههای اخیر حکومت این واقعیت مبارزاتی هر روز بیشتر در جامعه ما رخ می نمایاند.

### نان و گرسنگی

به تساوی تقسیم میشود

ای سرو ایستاده!

این مرگ توست که میسازد.....

دشمن دیوار میکشد

این عابران خوب و ستم بر

نام ترا، این عابران ژنده نمیدانند

و این دریغ هست اما

روزی که خلق بداند

هر قطره قطره خون تو محراب میشود

این خلق،

نام بزرگ ترا

در هر سرود میهنی اش

آواز میدهد

نام تو، پرچم ایران،

خزر به نام تو زنده است.....

خسرو گل سرخی

(از مجموعه "ای سرزمین من")

### شهر پی نام

بر سینه ات نشست

زخم عمیق کاری دشمن

اما

ای سرو ایستاده نیفتادی

این رسم توست که ایستاده بمیری.....

در تو ترانه های خنجر و خون،

در تو پرندگان مهاجر،

در تو سرود فتح

اینگونه چشمهای تو روشن

هرگز نبوده است.

با خون تو

میدان توپخانه

در خشم خلق

بیدار میشود

مردم

زان سوی توپخانه، بدین سوی

سرریز میکنند.....



## درباره دستگیری ۴۱ پناهجوی ایرانی در آنکارا

خطاب به تمامی نیروهای مبارز و انقلابی، نهادها و سازمانهای مترقی و آزادیخواه!

برطبق اخبار دریافتی از پناهجویان ایرانی در آنکارا، سرانجام روز ۲۸ ژوئن ۹۶ پلیس ضدخلقی ترکیه در پی یک برنامه از قبل تعیین شده با حمله به محل تحسن پناهجویان (دفتر حزب سوسیالیست متحد ترکیه - آنکارا) ۴۱ تن و منجمله تعدادی زن و کودک را دستگیر و به امنیت سرای آنکارا انتقال داد. نیروهای پلیس این اقدام را با محاصره محل تحسن و قطع برق ساختمان آغاز کردند و در شرایطی که "حزب سوسیالیست متحد" نیز تابلوی خود را از ساختمان پایین آورده بود، به ساختمان یورش برده و دهها پناهجوی متحسن را به زور به درون مینی بوسهای خود ریختند. پناهجویان پس از دستگیری برطبق آخرین اخبار با دریافت یک اجازه موقت اقامت، در مدت کوتاهی به شهرستانهای مرزی محل اقامت خود انتقال یافتند. به این ترتیب پلیس ترکیه با سکوت و زیر چشم کمیساریای عالی باصلاح حقوق بشر سازمان ملل در ترکیه - UNHCR - گام دیگری را در جهت در هم شکستن تحسن و مقاومت طولانی دهها پناهجوی گریخته از جهنم رژیم جمهوری اسلامی برداشت. این اقدام در حالی صورت می پذیرد که UNHCR آنکارا ماههاست در چهارچوب سیاستهای ضد دمکراتیک و مآشاهات جویانه خود از پذیرفتن درخواست پناهندگی این عده و با بازگشایی پرونده های آنها خودداری کرده و به این ترتیب دولت ضددمدمی ترکیه نیز فرصت بیشتری یافته تا با این دستاویز و در گرماگرم قراردادهای امنیتی خود با رژیم تبهکار جمهوری اسلامی، نه تنها به در هم شکستن قطعی حرکت پناهجویان متحسن اقدام کند، بلکه مقدمات استرداد آنها به ایران را نیز هرچه بیشتر فراهم سازد. اکنون مسلم است که با توجه به نمونه های قبل و بویژه نمونه یورش و دستگیری ۷ تن از پناهجویان در تاریخ ۲۱ ژوئن که منجر به دیپورت یکی از آنان به ایران شد، دهها پناهجوی دستگیر شده نیز به طور جدی در خطر استرداد قرار دارند.

نیروهای انقلابی، مردم مبارز و آزادیخواه!

دستگیری ۴۱ تن از پناهجویان ایرانی در آنکارا در حالی صورت می پذیرد که حدود ۱۱ ماه از تحسن و مقاومت یکپارچه آنها گذشته است. این عده همچون میلیونها تن دیگر از مردم رنجبر و زحمتکش، جزیی از قربانیان نظام دیکتاتوری و سرکوب و خفقانی هستند که رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی سکندار آن است. آنها با تحمل مشقات فراوان و با به خطر انداختن جان خود از چنگال این رژیم گریخته و به امید یافتن سرپناهی امن به ترکیه آمده و از UNHCR تقاضای پناهندگی سیاسی کرده اند. برغم این حقایق و برغم آنکه برخی از این عده دارای سوابق آشکار سیاسی بوده اند، UNHCR ترکیه با اتخاذ رفتاری ضد دمکراتیک و ضد پناهنده، پرونده های این عده را مختومه اعلام کرده و به این ترتیب جواز دیپورت آنها به ایران و جمهوری اسلامی را از ماهها قبل صادر نمود. در نتیجه پناهجویان نیز ضمن تجمع در دفتر حزب سوسیالیست متحد در آنکارا به تحسن دست زده و مقاومت متشکل خود را برای رسیدن به خواسته های عادلانه شان سازمان دادند. پناهجویان مزبور در طول قریب به ۱۱ ماه با وجود بدترین شرایط روحی و زیستی و عدم برخورداری از حداقل امکانات رفاهی به مقاومت ادامه داده و برغم آنکه بارها از سوی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و پلیس ضد خلقی ترکیه در معرض تهدید، ارباب، هجوم و ضرب و شتم و حتی دستگیری و زندان قرار گرفتند، همچنان به امید بازگشایی پرونده های خود از تلاش باز نایستادند. همچنین در این مدت افکار عمومی و مردم آزادیخواه، سازمانهای انقلابی و نیروهای مبارز و نهادها و مراجع مختلف مدافع حقوق بشر نیز با خاطر نشان کردن ماهیت ضددمدمی رژیم جمهوری اسلامی، حمایت گسترده ای از خواسته های عادلانه پناهجویان به عمل آوردند و عواقب عدم پذیرش آنها به عنوان پناهنده را به UNHCR گوشزد نمودند.

برغم این حقایق، گردانندگان این نهاد با سکوت و مآشاهات جویی از بازگشایی پرونده های پناهجویان سرپاز زده و در این رفتار ضد دمکراتیک خود تا آنجا پیش رفتند که با بی مسئولیتی تمام در اینجا و آنجا از "امن" بودن ایران برای پناهندگان سخن پراکنی کرده و مدعی شدند که استرداد پناهجویان به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی خطری را متوجه آنها نخواهد نمود.

بالاخره در کشاکش این شرایط بود که رژیم ضد خلقی ترکیه در چهارچوب معاملات و روابط امنیتی فی مابین خود و جمهوری اسلامی با هجوم به متحسین و دستگیری و انتقال آنها به شهرستانهای مرزی محل اقامت خود گام دیگری را برای استرداد قطعی آنها به ایران برداشت.

با توجه به تمامی این حقایق، ما دستگیری پناهجویان متحسن ایرانی در آنکارا و دیپورت یکی از آنها توسط پلیس ضد خلقی ترکیه و همچنین رفتار غیرمسئولانه UNHCR ترکیه بر علیه پناهجویان ایرانی در این کشور را شدیداً محکوم میکنیم. ما تاکید میکنیم که هرگونه تلاش برای تداوم دیپورت پناهجویان به ایران، بویژه با توجه به قریب به ۱۱ ماه تشکل و فعالیت های سیاسی آنان بر علیه رژیم جلاذ جمهوری اسلامی، همچون نمونه های بیشمار قبل منجر بدان خواهد گشت که این عده در معرض تعقیب و دستگیری و شکنجه و زندان و حتی گرفتار شدن به جوخه های مرگ رژیم جمهوری اسلامی قرار گیرند. بدون شک مسئولیت تمامی این اعمال وحشیانه و ضد دمکراتیک و هرگونه خطری که متوجه جان پناهجویان شود، بر عهده کسی جز پلیس ترکیه و کمیساریای عالی حقوق بشر UNHCR نخواهد بود.

وظیفه تمامی نیروهای مبارز و انقلابی است که بکوشند ضمن افشای سیاستهای ضد پناهنده UNHCR ترکیه و رفتار وحشیانه دولت این کشور بر علیه پناهندگان، به هر صورت ممکن صدای پناهجویان ایرانی در ترکیه را به گوش جهانیان رسانده و مانع از دیپورت و گرفتار شدن آنها در چنگال خونین رژیم جمهوری اسلامی گردند.

با ایمان به پیروزی راهمان

چریکهای فدایی خلق ایران - اول جولای ۹۶

## ایران از دریچه آمار

● به گفته سررتیب باقرزاده از فرماندهان ارتش جمهوری اسلامی، از سال ۱۳۷۰ یعنی از زمان تشکیل یک کمیته برای پیدا کردن لجساد سربازان ایرانی که در جنگ با عراق کشته شده اند تا کنون بقایای لجساد ۲۵ هزار سرباز ایرانی در جبهه های سابق جنگ کشف شده است.

● ظرف ۵ سال گذشته تعداد شرکت کنندگان زن در کنکور دانشگاهها در ایران از ۳۱۷ هزار و ۶۶۳ نفر در سال ۱۳۷۰ به ۵۵۸ هزار و ۵۳۱ نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده که رشدی معادل ۵/۷۱ درصد را نشان میدهد. هم اکنون ۴۳/۷۳ درصد از شرکت کنندگان در آزمون سراسری را زنان تشکیل میدهند. مطابق همین آمار درصد شرکت مردان در همین مدت از ۶۱/۸ درصد در سال ۱۳۷۰ به ۵۶/۲۷ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته است.

● میزان نقدینگی در کشور در سال ۱۳۷۴ نسبت به سال قبل از آن معادل ۳۳ درصد افزایش نشان میدهد.

● مرکز آمار ایران اعلام کرد که یک میلیون و ۱۶۷ هزار خانوار ایرانی در سال ۱۳۷۳ در محل سکونت خود به فعالیت صنعتی نظیر تولید قالی و قالیچه، گلیم، زیلو، مواد غذایی و آشامیدنی و تولید پوشاک و..... اشتغال داشته اند. همچنین ۸۴ درصد از شاغلین اینگونه خانوارها را زنان تشکیل داده اند.

● به گزارش رویتر هم اکنون بنیاد مستضعفان بیش از ۷۰۰ کارخانه، شرکت، هتل و سایر موسسات رفاهی را اداره میکند.

● اعلام شد که به علت واردات بی رویه در یک دوره ۴ ساله منتهی به اسفند ۱۳۷۲ (پایان برنامه اول اقتصادی رژیم)

هزینه های ارزی رژیم به ۹۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار رسید در حالیکه درآمدهای آن از ۶۲ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار تجاوز نکرد.

● بنا به گزارش وزارت صنایع جمهوری اسلامی ایران در ابتدای سال ۷۴ تا پایان بهمن ماه همان سال ۷۱۰ میلیون دلار کالاهای "صنعتی-تولیدی" به خارج صادر کرده که نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهشی معادل ۱۲ درصد را نشان میدهد.

● به گفته وزیر بهداشت جمهوری اسلامی علیرضا مرندی، هم اکنون میزان مرگ و میر کودکان در ایران ۳۴ در هزار است. همچنین از هر ۱۰۰۰ کودک زیر یکسال در ایران ۲۸ تن می میرند.

● مدیر عامل سازمان بیمه خدمات درمانی رژیم، احمد خالق نژاد اعلام کرد که یک سوم جمعیت کشور را روستائیان تشکیل میدهند. وی همچنین مبلغ سرانه درمان شهری در سال ۷۵ را ۴۸۶۰ ریال و هزینه سرانه بیمه روستائیان را ۱۹۴۴ ریال اعلام کرد.

● به گزارش وزیر کشور جمهوری اسلامی علی محمد بشارتی، تنها در سال گذشته ۱۷۰ تن مواد مخدر در ایران کشف شده و ۴۶ هزار نفر زیر نام قاچاق و توزیع مواد مخدر دستگیر شده اند.

● زرگر معاون وزیر کشور جمهوری اسلامی گفت که تا سال ۱۴۰۰ تنها بخش جمعیت شهر نشین ایران به ۷۵ میلیون نفر خواهد رسید. او اضافه کرد ۳۳ درصد از جمعیت شهری ایران تنها در ۵ شهر کشور متمرکز میباشند.



لیست کمکهای مالی  
و وجود دریافتی برای آبرومند  
نشریه

### انگلستان

الف ۶ پوند  
ط ۷ پوند  
م ۷ پوند  
م-خ ۷ پوند

### امریکا

کانزاس سیتی-رسول ۱۵۰ مارک

### آلمان

رفقای هانوفر ۴۹۰ مارک  
ب-ه ۲۰ مارک

### سوئد

ن ۳۰۰ کرون  
نشریه ۳۵ پوند  
رفقای انجمن سوئد ۱۹۵ پوند

### کانادا

مجید ۱۰۰ پوند  
ر-م ۳۰ دلار کانادا  
ع-ت ۵۰ "  
ک ۴۰ "  
ف-م ۱۰۰ "  
نشریه ۲۰ دلار

### هند

نشست هند ۲۲۰۰ شلینگ اتریش  
نشست هند ۱۵۰۰ گیلدرن  
نشست هند ۱۰۰ مارک  
نشست هند ۹ دلار امریکا

آنچه در زیر می آید ترجمه ۳ مقاله دیگر از سلسله مقالاتی در رابطه با اوضاع کنونی روسیه میباشد که توسط نادر ثانی از نشریه سوئدی پرولترن به فارسی برگردانده شده است. شایان ذکر است که ۵ مقاله دیگر این مجموعه در شماره های قبلی پیام فدایی درج شده است.

## یلتسین و نظامیان

نوشته تدی - یون فرانک

مسئول ارتباطات خارجی حزب کمونیستی ک پ ام ال (آر) سوئد

دیگر از آنها حتی نامی باقی نمانده است، مینگرد.

### ارتش سرخ بکلی مضمحل شده است

جنگ یلتسین در چپن باوضوح کامل نمایشگر شدت در هم پاشیدگی ارتش سرخ بود. هیچکس نمیتواند کتمان کند که این جنگ از نقطه نظر نظامی چیزی جز عدم موفقیتی بزرگ و عقب گردی وحشتناک برای ارتش سرخ نبوده است. ارتش سرخی که زمانی بر فاشیسم و نازیسم چیره گردیده بود قادر نیست بر نیرویی که خود "جمعی راهزن و یاغی" میخواند و در ناحیه ای کوچک به فعالیت مشغول است پیروز گردد!

برای تمامی آنان که اطلاعی هرچند ناچیز از اوضاع سیاسی و اجتماعی روسیه دارند واضح است که اگر یلتسین بخواهد شانسی برای باقی ماندن در انتخابات ریاست جمهوری داشته باشد باید بتواند نه تنها حمایت ارتش و صنایع عظیم نظامی را به

قفقازستان و قیرقیزستان نیز تمایل زیادی در مورد گسترش و بهبود روابط خود با روسیه از خود نشان داده اند. این امر بخصوص با در نظر گرفتن این واقعیت که طرح تشکیل "قلمرو کشورهای غیروابسته" که پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی به امتحان گذاشته شد با شکست مواجه گردید، بسیار جالب و حائز اهمیت میباشد.

بدون شک میتوان گفت که نیرویی که پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی بیش از سایر نیروها احساس خفت و خواری نموده است، نیرویی که بیش از سایر نیروها احساس میکند که با شیوه ای ناعادلانه با آن رفتار شده است، ارتش میباشد. در خلال سالهای پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی بتدریج از نقش و اهمیت ارتش کاسته شده و به همین میزان به نارضایتی ارتشیان از اوضاع موجود افزوده شده است. صدها هزار افسر سابق ارتش، کار و امتیازات ویژه ای را که در اختیار داشتند از دست داده اند و با نارضایتی کامل و ناتوانی مطلق به ارتش سرخی که از هم پاشیده شده است و به ستهایی که با نام این ارتش عجین بوده و

چند هفته از گفتگوی بوریس یلتسین رئیس جمهور روسیه و الکساندر لوکاشنکو رئیس جمهور روسیه سفید میگذرد. گفتگویی که به توافق این دو در مورد همکاری وسیع دو کشور منجر گردید. گفته میشود که هر دو جانب توافق و بخصوص الکساندر لوکاشنکو تمایل زیادی به گستردگی هرچه بیشتر همکاری دو کشور از خود نشان داده اند. پس از پایان گفتگوها لوکاشنکو در رابطه با این مذاکرات اعلام نمود امید بسیار دارد که بسط رابطه بین دو کشور منجر به آن گردد که در خلال دوران ریاست جمهوری او و یلتسین دو کشور بتوانند در قالب فدراسیونی مشترک به یکدیگر پیوسته و واحد مشترکی را تشکیل دهند.

گذشته از اینکه آیا امیال لوکاشنکو میتوانند به واقعیت مبدل گردند یا نه، باید اذعان داشت که با توجه به شکست محتمل بوریس یلتسین در انتخابات ریاست جمهوری روسیه در آینده ای نزدیک این احتمال که طرح تشکیل فدراسیون مشترکی از روسیه و روسیه سفید بتواند در دوران ریاست جمهوری این دو فرد به اجرا درآید بسیار ناچیز میباشد.



دست آورد بلکه قادر باشد تا این شریانیهای پراهمیت را با ناسیونالیسم روسیه بزرگ عجین سازد. امروز حدود ۲۰ میلیون روس در کشورهای مستقلی که پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی به وجود آمده اند ساکن میباشند و به یاد داشته باشیم که این تنها در کشورهای بالکان نیست که این افراد مورد تبعیض قرار میگیرند.

در چند سال اخیر یلتسین بارها در پیامهای خود یادآور شده است که در صورت پایمال شدن حقوق اقلیتهای روس در کشورهای دیگر روسیه نمیتواند بی تفاوت باقی مانده و ناچار به دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم در امور این کشورها خواهد گردید. یکی از نکات مشخص سیاست خارجی یلتسین همواره مبتنی بر آن بوده است که روسیه دارای مسئولیتی بخصوص و علاقه مستقیم امنیتی در مناطقی که وی آنها را "خارجی نزدیک" میخواند، میباشد.

### پارلمان روسیه مملو از نظامیان است

ارتش روسیه و نظامیان این کشور تا کنون خود را به شدت وارد سیاست داخلی روسیه نکرده است. اما در آخرین انتخابات مجلس روسیه، در دسامبر سال ۱۹۹۵ تمامی احزاب شرکت کننده در انتخابات افرادی نظامی در مکانهای بالای لیستهای انتخاباتی خود داشتند. درست از این رو دوامی که امروز وظیفه قانونگذاری در روسیه را برعهده دارد به عنوان پارلمانی در جهان که بالاترین میزان نظامیان مشغول به کار را در خود جای داده است به شمار میرود. این امر از جانب بسیاری از روسها بعنوان پشتوانه ای در مقابل

سیاستی ضدخلفی تر و یا به عبارتی دیگر "اصلاح طلبانه تر" از سیاست امروزی تلقی شده است.

امر دیگری که برای تمامی ناظران مسلم است آن است که نظامیان روسیه در سالهای اخیر در انتخابات گوناگون بیش از همه به احزاب "کمونیست" ژوگانوف و ناسیونالیست افراطی ژیرینوسکی رای داده اند. هر دو این احزاب در سیاست روزمره خود هریک با استفاده از بینش خاص خویش یلتسین و متحدین وی را به خاطر میدان دهی وسیع و گسترده آنها به سرمایه داران و نیروهای امپریالیستی و فروش علایق اقتصادی و امنیتی روسیه به این نیروها مورد انتقاد شدید قرار داده اند. در اینجا باید خاطر نشان نمود که سیاست خارجی یلتسین و عملکردهای وی در این زمینه در مدت زمان اخیر به تدریج و تحت تاثیر فشاری که این انتقاد و نقادهای نظامیان دربرداشته است تغییر نموده است.

اما سیاستی که روسیه در زمینه خارجی در خلال سالهای اخیر در پیش گرفته است تنها تحت تاثیر این عوامل نبوده و با توجه به بسیاری دیگر از عوامل تغییر نموده است. در زیر به برخی از این تغییرات اشاره میشود:

### تغییر نقش روسیه در مورد یوگسلاوی

جنگ داخلی در یوگسلاوی سابق نمونه بسیار بارزی از کاهش اهمیت نقش روسیه در صحنه بین المللی سیاست ابرقدرتها میباشد. در ابتدا و قبل از ورود مستقیم ایالات متحده آمریکا به این صحنه یلتسین

تلاش میکرد تا بعنوان میانجی نقشی همردیف اتحادیه اروپا ایفا نماید. اما زمانیکه امپریالیسم امریکا و بیل کلینتون رئیس جمهور این کشور برای دستیابی به اهداف خود در این منطقه حرکت فعالانه خود را در این منطقه آغاز نموده و رهبری عملیات و گفتگوها را به دست گرفتند، از اهمیت روسیه به مقدار بسیاری کاسته شد و روسیه به ناظری منفعل مبدل گردید. در روسیه این امر به انتقاداتی شدید از یلتسین منجر گردیده است. از جمله گفته شده است که با قبول نقش نوین روسیه در منطقه، یلتسین و هم نظران او نه تنها به "برادران اسلاو" در صرب خیانت کرده و از پشت به آنان خنجر زده اند بلکه به این شکل آنها از نگرانی از بسیاری علایق مهم و حیاتی روسیه در منطقه صرف نظر کرده و بدینگونه مستقیماً سیاستی ضد روس اتخاذ نموده اند.

### تغییر نقش روسیه در مورد پیمان آتلانتیک شمالی

میتوان تغییر سیاست یلتسین در مورد گسترش پیمان نظامی آتلانتیک شمالی، ناتو، به جانب شرق و در برگرفتن برخی از کشورهای اروپای شرقی را نیز مورد مطالعه قرار داد. با از هم پاشیده شدن پیمان ورشو، توازنی که سابقاً میان پیمانهای نظامی وجود داشت دیگر اکنون بکلی از میان رفته است. بسیاری از کشورهای اروپای شرقی (کشورهایی که قبلاً هم پیمان اتحاد جماهیر شوروی محسوب شده و عضو پیمان ورشو بودند) و تمامی کشورهای منطقه بالتیک خواهان عضویت در ناتو میباشند. حرکت تاکتیکی امریکا در این زمینه، ارائه طرح تشکیل جریان "اشتراک برای صلح" راه را برای

## «کمونیستهای روسیه» امروزی

### چه جریاناتی در روسیه امروزی خود را کمونیست میخوانند؟

نوشته تدی - یون فرانک

مسئول ارتباطات خارجی حزب کمونیستی  
ک پ ام ال (آر) سوئد

در روسیه امروزی احزاب بسیاری هستند که خود را احزابی کمونیستی میخوانند. برای اطلاع خوانندگان در مورد این احزاب در زیر به برخی از این احزاب اشاره میگرد.

بزرگترین و شناخته شده ترین این احزاب "حزب کمونیست فدراسیون روسیه"، که هم اکنون بوسیله گنادی ژوگانوف رهبری میشود، نام دارد. این حزب خود را ادامه مستقیم و بلافصل "حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی" که در تمامی دوران وجود اتحاد جماهیر شوروی زمام امور را در این کشور در دست داشت دانسته و موفق شده است که در بسیاری از نقاط و بخصوص در نواحی خارج از شهرهای بزرگ اروپایی روسیه استخوان بندی و دستگاه اجرایی آن را از آن خود نماید. در درون این حزب جناح بندیها و فراکسیونهای متعددی موجود میباشد و بدینگونه این حزب امروز در برگیرنده جریانات فکری و عملی گوناگونی از سوسیال دمکراسی اصلاح طلب تا سیاست تجدید نظر طلبی حاکم بر اتحاد جماهیر شوروی میباشد. هنوز این حزب نتوانسته است گزارشی علنی در مورد برخورد خود به گذشته حزب ارائه کرده و در آن

موضوع فشاری را که در این مورد به یلتسین وارد میشود دو چندان نموده است. در شرایط فعلی عدم ادامه مذاکرات برای از میان بردن سلاحهای هسته ای روسیه از موضع ضعف از خواستهای مهم منفدان یلتسین در روسیه به شمار میاید.

### اعلام ضمنی تغییر سیاست خارجی روسیه

بدون شک زمانیکه یلتسین در مدت کوتاهی پیش وزیر خارجه اسبق خود کوژیرف را که مهره ای متمایل به غرب بشمار میآمد از سمت خود خلع نموده و پست وی را به یوگنی پریماکوف محول نمود، میخواست با این عمل خود تغییر سیاست خارجی خود و دولتش را اعلام نموده و بدینوسیله از شدت انتقادهایی که در روسیه از وی و دولتش میشود بکاهد. یلتسین با قدرت بخشیدن به پریماکوف میخواهد به منفدان داخلی نشان بدهد که دولت وی از این پس سیاست خارجی بازدارنده ای را در پیش خواهند گرفت. گفته میشود که یلتسین به نزدیکان خود گفته است: "حقوقهای تمامی افرادی که از دولت حقوق دریافت میکنند باید به موقع پرداخت شود و جنگ چچن باید نهایتاً در ماه مه پایان بگیرد. در غیر اینصورت من در انتخابات ریاست جمهوری شکست خواهم خورد."

پرسشی که در اینجا مطرح میشود این است که آیا این دو امر و تغییرات سطحی دیگر میتوانند در کشوری که اکثریت مردم آن در هر روز در زندگی خود نقشی را که سیاست "اصلاح گرانه" یلتسین ایفا نموده است و مسئولیت اساسی آن را برعهده دارد بخوانند، برای فریب مردم و اخذ رای از آنان کافی باشند؟

\*\*\*\*\*

نقشی کاملاً نوین برای پیمان نظامی ناتو باز نموده است. با استفاده از ضعف مسلط بر روسیه و با ارائه این طرح ناتو توانسته است محوطه عملیاتی خود و وظایف خود را تا آن اندازه گسترش بدهد که حیات نظامی روسیه را دچار دگرگونی شدیدی نموده است. در اینجا نیز انفعال یلتسین و هم پیمانانش به شدت مورد انتقاد نیروهای بسیار در روسیه قرار گرفته است.

### تغییر نقش روسیه در مذاکرات خلع سلاحهای هسته ای

برنامه هایی که بعنوان خلع سلاحهای هسته ای بین اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا در پیش گرفته شده بودند و قراردادهایی که تحت نامهای "استارت یک" و "استارت دو" بین این دو کشور منعقد گشته بودند مطابق برنامه زمانی به اجرا درنیامده اند. و مذاکرات جدیدی که میبایست مطابق وعده های گارباچف و یلتسین با هدف از میان بردن سلاحهای استراتژیک بین این دو کشور به جریان درمیآمد هنوز آغاز نشده اند. و در حقیقت این مساله امری غیرمنتظره نمیباشد. در شرایط کنونی سلاح هسته ای روسیه تنها برگ برنده ای است که یلتسین در اختیار دارد. در نیمه ماه مارس ۱۹۹۶ وزیر امور خارجه امریکا، وارن کریستوفرن بار دیگر خواست کشور متبوع خود را دایر بر انعقاد قرارداد پایان آزمایشهای اتمی قبل از روز اول ماه ژوئن این سال مطرح نمود. به گفته او ایالات متحده امریکا این مساله را بعنوان اولین قدم در راه ادامه خلع سلاح تلقی مینماید. سخنان وزیر امور خارجه امریکا در این زمینه و تاکید وی بر اهمیت این

دایر بر منحل نمودن اتحاد جماهیر شوروی غیرقانونی اعلام شده است. لایحه مربوط به این قطعنامه توسط "حزب کمونیست فدراسیون روسیه" به دوما تقدیم شده بود و این حزب توانست با همکاری چند حزب دیگر اکثریت قابل توجهی یاد شده را برای تصویب این قطعنامه به دست آورد. همزمان در بسیاری از نقاط دور و نزدیک روسیه انجمن های شهر و روستا مجددا شروع به استفاده از واژه شورایی در نام خود نموده و در برخی از این نقاط پرچم اتحاد جماهیر شوروی بار دیگر به کار گرفته شده است. نظر غالب در میان مردم عادی بسیاری از این نقاط، نظری که امروزه نظر میلیونها فرد روس بوده و هر روز از محبوبیت بیشتری برخوردار میگردد را میتوان به شکل زیر خلاصه نمود: "برای من این امر که از کدام پرچم استفاده میکنیم تعیین کننده نیست. مهم آن است که وضع ما مانند سابق شود!"

### آنچه نظام اجتماعی گذشته ضمانت میکرد

اتفاقی نیست که حزب گنادی ژوگانوف واژه کمونیست را در نام خود حفظ کرده است و اتفاقی نیست که دوما قطعنامه ای چون قطعنامه ذکر شده را به تصویب میرساند. شرایط روسیه کنونی آنچنان است که این مسائل را ناگزیر مینماید. جالب اینجاست که بوریس یلتسین در سخنانی که بلافاصله پس از تصویب این قطعنامه ایراد نمود اعلام داشت که دوما به این ترتیب میخواهد "انتخابات ریاست جمهوری را به خطر بیندازد" و صد البته وی منظور خود را از این به خطر انداختن اعلام ننمود!

تحلیلهای این حزب در کلیت خود با تجزیه و تحلیلهایی که احزاب مارکسیست-لنینیستی در مورد کج رویهایی که از نیمه دهه ۱۹۵۰ در اتحاد جماهیر شوروی ارائه داده اند منطبق میباشد. در دومین کنگره این حزب که چندی پیش برگزار گردید نمایندگانی از بیشترین نقاط روسیه و بسیاری از جمهوری های سابق اتحاد جماهیر شوروی شرکت کرده بودند.

گذشته از چهار حزب یاد شده احزاب، سازمانها و جریانهای دیگری نیز که خود را کمونیستی و یا کارگری میخوانند، در روسیه به فعالیت مشغول میباشند. متأسفانه سندهایی که برای شناخت از چهارچوب سیاسی این احزاب، سازمانها و جریانها، تعداد فعالین آنها، نفوذ آنها در میان توده ها و موقعیت و کاربرد جغرافیایی آنها لازم میباشد هنوز در دسترس ما نیست و از اینرو قضاوت در مورد آنان بسیار دشوار میباشد.

\*\*\*\*\*

### کافی است و ضعیفمان مانند سابق شود!

### آیا یک "کمونیست" رئیس جمهور روسیه خواهد شد؟

نوشته تدی-یون فرانک

مسئول ارتباطات خارجی حزب کمونیستی ک پ ام ال (آر) سوئد

روز جمعه ۱۵ ماه مارس ۱۹۹۶ برابر با ۲۵ اسفند ماه ۱۳۷۴، مجلس روسیه، دوما، با اکثریت آرا (۲۵۰ در مقابل ۹۲ رای) قطعنامه ای را به تصویب رساند که به موجب آن تصویب نامه مورخ سال ۱۹۹۱

انتقادات احتمالی خود را نسبت به این سیاستها مطرح سازد. البته این حزب در نوشته های اخیر خود صحبت از "تجزیه و تحلیلی منقدانه از اشتباهات گذشته" نموده است و اعلام داشته که "حزب هم اکنون باید خط مشی که از اشتباهات گذشته پند گرفته است را ارائه دهد". اما هنوز نه تنها این خط مشی ارائه نشده است که در هیچ کجا اعلام نشده است که منظور از اشتباهات گذشته چه بوده و منظور از گذشته چیست!

در انتخابات ماه دسامبر برای تعیین نمایندگان مجلس روسیه، دوما، اتحادی که از سه حزب دیگر که خود را احزاب کمونیستی میخوانند تشکیل شده بود در انتخابات شرکت نمود. این احزاب جملگی خود را ضد رویزیونیستی خوانده و معتقدند که با اشکالات و اشتباهات گذشته فاصله گرفته و آنها را برطرف نموده اند. این اتحاد انتخاباتی که از جمله از احزاب "حزب کمونیست روسیه" و "حزب کمونیستی کارگری روسیه" تشکیل شده بود توانست حدود ۳ میلیون رای، یا عبارت دیگر چهار و نیم درصد از آرا را کسب نماید.

حزب "کمونیست" دیگر "حزب تمام متحد کمونیست بلشویکها" تحت رهبری نینا آندریوا میباشد. این حزب قانون اساسی سال ۱۹۹۳ را غیرقانونی میداند و از اینرو شرکت در انتخابات ماه دسامبر ۱۹۹۵ را تحریم نموده بود. این حزب تجزیه و تحلیلهای منقدانه ای از سیاست رویزیونیستی دهه های اخیر "حزب کمونیست اتحاد شوروی"، از زمان به قدرت رسیدن خروشچف در سال ۱۹۵۶ تا سقوط اتحاد جماهیر شوروی منتشر ساخته است. میتوان گفت تجزیه و

واقعیت این است که "اتحاد جماهیر شوروی" از نقطه نظر عده هر روز افزونتری، در رابطه با زمانی قرار داده میشود که اوضاع در اکثر موارد بهتر از شرایطی است که اهالی روسیه امروز ناچار به تحمل آن میباشند.

در آن زمان سطحی از امنیت مورد نیاز اجتماعی وجود داشت. نظام اجتماعی به هر حال و به شکلی کار، حقوق بازنشستگی و حفاظت های اجتماعی را ضمانت کرده بود. دوا و درمان ارزان بوده و در اختیار همه قرار داشت. بهای غذاهای مورد نیاز همه در سطح نازل و قابل قبولی برای همه تعیین شده بود. مسکن حتی برای افرادی که پول زیادی برای استفاده در اختیار نداشتند قابل دسترسی بود.

باید اذعان داشت که شرایط مادی غیر قابل انکاری برای این اندیشه موجود میباشد. این فساد رایج در آن زمان، بوروکراسی موجود آن دوران، سیاستی جدا از توده ها و رکود موجود در سیستم کهن برژنفی نیست که بوسیله مردم در مرکز دوران گذشته قرار داده میشود.

### اتحاد جماهیر شوروی دوباره برقرار خواهد شد

در عوض این مسائل "شکمی"، آنچه که در رابطه با نزدیکترین مسائل مادی فرد هستند، میباشند که در مرکز قرار داده میشوند. و باید اذعان داشت که برای اکثریت مردم روسیه شرایط در شش سال اخیر، علیرغم آنچه که به نام آزادی و دمکراسی به خورد آنان داده شده است، به مراتب بسیار بدتر از گذشته شده است. این درست این حقایق هستند که تخته پرشی برای ژوگائوف به وجود آورده اند.

اما به راستی جایگاه حزب او در صحنه سیاسی کجاست؟ من گنادی ژوگائوف را سال گذشته در کوبا ملاقات کردم. در آنجا از اطمینان خود در مورد اینکه "در خلال پنج تا ده سال دیگر اتحاد جماهیر شوروی مجدداً برقرار خواهد شد" صحبت مینمود. میگفت که حزب او یک میلیون عضو دارد. اعضایی که طبق گفته وی به دلایل لیدولوژیکی و نه برای استفاده از کارت عضویت برای جلوگیری از افتادن در صف گوشت، عضویت حزب را قبول کرده اند.

پس از موفقیت های این حزب در انتخابات ماه دسامبر قدرتمندان جهان غرب ناچار شده اند که بطور جدی ژوگائوف و حزب او را مورد مطالعه قرار دهند. این شانس و یا ریسک - با توجه به اینکه نظر فرد در مورد ژوگائوف و حزب او چه است - وجود دارد که او تنها چند ماه دیگر به مقام ریاست جمهوری روسیه انتخاب شود.

درست از اینروست که رویداد غیر ممکن رخ داده و دبیرکل یک حزب کمونیست مهمان محترم جلسات سرمایه داری انحصاری بین المللی، آخرین بار در داووس و ژنو، میگردند! در این گردهماییها ژوگائوف به میزبانان اطمینان میدهد که حتی او خواهان سرمایه گذاران خارجی و بازاری خصوصی است. تنها شرطی که او مطرح میسازد آن است که "آنها باید جدی بوده و به دنبال بهره کشی تام از روسیه نباشند."

در حزب ژوگائوف گرایشات گوناگون سیاسی موجود میباشد. در این حزب از گرایشاتی که بیش از هر چیز یادآور سوسیال دمکراسی جوامع غربی هستند تا گرایشاتی که خود را کمونیستهای ارتدکس میخوانند یافت میشود. در رهبری امروزی

حزب بیشتر به افرادی برخورد میکنیم که ریشه های سیاسی آنها را میتوان در ماشین قدرت "حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی" یافت. اما باید در همینجا افزود که افراد زیادی که پستهای مهمی در اقتدار رهبری کننده حزب در آن زمان داشتند در رهبری حزبی امروزی موجود نمیباشند. علت اصلی این امر آن است که بسیاری از رهبران حزبی آن زمان به سرعتی بسیار و باور نکردنی با توجه به تغییر شرایط پوست عوض کرده و تبدیل به سرمایه دارانی کامل گردیدند! اینان اکثراً همان کارخانجات و یا شرکتهایی را که در دوران پیشین بعنوان "نمایندگان و مددکاران کمونیست" تحت قدرت و کنترل خود داشتند به چنگ خود درآورده، این بار بمثابه سهامدار اصلی، و از آنها بهره برداری شخصی مینمایند.

### ریشه در حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی

اما در حزب ژوگائوف افراد بسیاری یافت میشوند که در دوران پیشین دارای مقامهایی در سطوح پایین و محلی در دستگاههای اداری و اجرایی بوده اند. در بسیاری از موارد این افراد در مقامهای خود باقی میباشند.

یکی دیگر از نکات قابل توجه در مورد این حزب آن است که این حزب بدون شک دارای بهترین و وسیعترین ساختمان حزبی بین تمامی احزاب روسیه میباشد.

میتوان گفت که سیاست اقتصادی ژوگائوف در بسیاری از موارد مطابق بر الگوی سیاست اقتصادی چین امروز بنا شده است، به علایق سرمایه داری خارجی

اجازه داده خواهد شد تا در روسیه سرمایه گذاری کرده و سود خود را با امتیازاتی ویژه و مناسب از کشور خارج سازند. زمانیکه رئیس دوما گنادی سلزنیوف، که یکی از اعضا حزب ژوگانوف است، چندی پیش برای مذاکراتی به سوئد سفر کرده بود در این کشور اعلام داشت که: "خصوصی سازی لادامه پیدا خواهد کرد. بدیهتا تعداد زیادی از خصوصی سازی هایی که نادرست و مخالف قوانین بوده اند به اجرا درآمده اند. این خصوصی سازی ها باید مورد قضاوت دادگاهها قرار گیرند اما ما کوچکترین علاقه ای برای دخالت در شرایط کار موسساتی که در چهارچوب قانون خصوصی شده اند، نداریم."

و درست به همانگونه که دنگ سیاوپینگ گفته است: "فرقی نمیکند که گربه سیاه است یا سفید. مهم آن است که موش را بگیرد" سلونیوف میگوید: "اگر شرکتهای خصوصی شده خوب کار کنند، کارهایی ایجاد کنند که حقوق میدهند و کالاهایی را تولید نمایند که مورد نیاز هستند قدمشان

مبارک است!"

این امکان وجود دارد که شش ماه دیگر دبیرکل "حزب کمونیستی" که اخیرا قطعنامه ای را به تصویب رسانیده که به موجب آن از هم پاشیدن اتحاد جماهیر شوروی غیرقانونی بوده است، و در بحثهای داخلی روسیه با کمال میل تاکید میکند که بندهای تماس با جمهوری های اتحاد جماهیر شوروی سابق مجددا برقرار خواهند شد، رئیس جمهور روسیه بوده و در این مقام از اختیارات و امکانات بسیاری که قانون اساسی یلتسین در اختیار رئیس جمهور میگذارد بهره مند گردد. برای نمایندگان سرمایه داری انحصاری غربی مهم آن است که رئیس جمهور روسیه چه ضمانتهایی به آنها میدهد. مهم آن است که او ثباتی را که پیش شرط سرمایه گذاری و سود دهی میباشد تضمین نماید.

این امر که کارگران و مردم ستمدیده و فقیر روسیه هر روز بیشتر از روز پیش به طرف حزب ژوگانوف روی میآورند

ریشه در امید آنان به این امر دارد که این حزب خواهد توانست شرایط زندگی مادی آنها را بهبود بخشیده و به سطح دوران پیشین برساند. اما بدیهی است که تغییرات واقعی و عمیق تنها با پیاده کردن نظرگاهی کمونیستی امکانپذیر میباشد. مسئله تعیین کننده، نه تنها برای سیاست روسیه بلکه برای کل سیاست بین المللی آن است که آیا کمونیستهای روس نتایجی مارکسیست - لنینیستی از سیاست رویزیونیستی ای که در دوران خروشچف، برژنف و گارباجف اعمال میشد و منجر به سرمایه داری ناب یلتسین شده است گرفته اند یا نه. بدون تجزیه و تحلیل سیاست رویزیونیستی گذشته و فاصله گرفتن از آن "حزب کمونیست فدراسیون روسیه"، حتی اگر این حزب در انتخابات ریاست جمهوری پیروز گردد، به ناچار پاره ای دیگر در زباله دانی تاریخ خواهد گردید.



با ما مکاتبه کنید!

خوانندگان مبارز "پیام فدائی"

برای غنا بخشیدن به محتوای نشریه و برای رفع کمبودهای آن ما به شما تکیه داریم. نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را برای ما بنویسید و بکشید ضمن مکاتبه با نشریه رابطه هرچه فعالتری با ما برقرار کنید. بدون شک یک نشریه انقلابی زمانی موفق خواهد بود که به توده ها و به مجموعه هوادارانش متکی باشد.



**مرگ بر رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!**

در این شماره از پیام فدایی قسمت دوم و آخر مقاله چین ۶ سال پس از تیانامن که از نشریه مانتلی ری ویو - ژانویه ۹۶ به فارسی برگردانده شده، به چاپ میرسد. این مقاله شمه ای از اوضاع اقتصادی چین بویژه پس از سرکوب تیانامن در اختیار خواننده قرار میدهد.

## چین: ۶ سال پس از تیانامن (نویسنده لی مینکی)

دولت اکنون فاقد اعتبار مورد نیاز جهت سرمایه گذاری در شالوده اقتصادی که برای هرگونه رشد اقتصادی بیشتر حیاتی میباشد بوده و لذا میبایست به سرمایه خارجی اتکاء نماید. موسسات سرمایه داری و نیمه سرمایه داری و دول ایالتی بیشتر به تمرکز سرمایه گذاری هایشان در زمینه تشدید کار (LABOR INTENSIVE)، صنایع مصرفی منکی به تکنولوژی و کالاهای سرمایه ای گرایش دارند تا رشد قابلیت تکنولوژی وطنی متعلق به چین. و بدون منابع مالی از دولت مرکزی در امر بهسازی این شرایط کاری ساخته نیست. چنین گزارش داده میشود که هزینه تحقیق و توسعه تنها ۰/۵ درصد از تولید ناخالص ملی چین را شامل میشود، در حالیکه در کشورهای در حال توسعه بطور کل این رقم به یک تا دو درصد و در کشورهای توسعه یافته بطور میانگین به ۲/۶ درصد بالغ میگردد. در نتیجه، چین از رشد واقعی قابلیت تکنولوژیکی بومی خود ناتوان میباشد. رشد اقتصادی چین بیش از پیش به تکنولوژی خارجی و سرمایه وارداتی وابسته میگردد.

مسیر این رشد وابستگی را میتوان برای نمونه در صنعت کامپیوتر نشان داد:

هدف چین آن است که تامین کننده عمده بازارهای داخلی و جهانی کامپیوترهای شخصی کم بها و متعلقات آن از جمله دستگاه چاپ، صفحات تلویزیونی کامپیوتر و فیبرهای مدار سازی گردد. از طریق صادرات انبوه چنین کالاهایی چین قادر خواهد بود تا ارزش خارجی برای واردات سیستم و تکنولوژی عالیتر و مورد نیاز جهت تداوم رشد صنعت کامپیوتر را تامین نماید.

این تولید کم هزینه (LOW-END PRODUCTION) خود به قطعات وارداتی وابسته میباشد: توانایی تولیدی چین در زمینه آی سی فوق العاده پائین میباشد و به آی سی هایی که در کالاهای مصرفی چون تلویزیون و یخچال مورد استفاده است محدود میگردد. بنابراین، چین میبایست تقریباً تمامی آی سی هایی که در ساخت کامپیوتر بکار میرود را از خارج وارد نماید. اگرچه چین تلاش مینماید تا پایه های تولید آی سی داخلی خود را بالا برد، ولی محدودیتهای بین المللی تحمیلی کمیته هماهنگ سازی کنترل صادرات چند ملیتی (COCOM) چین را از دسترسی به تکنولوژی مورد نیاز جهت تولید آی سی های پیچیده تر منع مینماید.

مقامات دولت چین اذعان مینمایند که از نظر تکنولوژیکی، صنعت آی سی سازی این کشور پانزده سال از سطح بین المللی عقب تر میباشد. در همان حال که انتظار میرود تا سال ۲۰۰۰ تولید آی سی چین به یک میلیون قطعه رسد، تقاضای داخلی تا آن زمان به ۲ تا ۳ میلیون قطعه افزایش خواهد یافت و لذا تامین یک تا ۲ میلیون قطعه مورد نیاز داخلی عملاً به امر واردات حواله میگردد.

در حقیقت، چین پیشاپیش از گسترش وابستگی بسیار رنج برده است. هنگامیکه بین چین و کشورهای توسعه یافته مبادلات اقتصادی صورت میگیرد، چین فروشنده آن کالاهایی است که تولید آنها برای کشورهای توسعه یافته هزینه گزاف تری بدنبال دارد. در حالیکه کشورهای توسعه یافته فروشندگان آن اقلامی هستند که چین اصلاً قادر به تولید آنها نیست (مثلاً: تکنولوژی پیشرفته و کالاهای سرمایه ای) و به همین دلیل هم میبایست هر قیمتی که این کشورها طلب میکنند بدانان بپردازد. توسعه وابستگی به چند دلیل تداوم رشد سرمایه داری چین را در دراز مدت با سوال روبرو میسازد. در اینجا ما تنها به اساسی ترین نکاتی که برخاسته از حدود و ثغور مشارکت سرمایه داری چین در بازار جهانی میباشد اشاره خواهیم نمود.

بر دهقانان مهیا نمایند. نتیجتاً رقابت شکل نوعی فشار افزاینده بر دهقانان را به خود میگیرد که در برخی موارد موجب طغیان آشکار آنان گردیده است.

از سوی دیگر، صنایع دولتی و IRB (\*)، کماکان مانع عمده بر سر راه انباشت سرمایه داری چین میباشد. طبقه حاکم حمله جدیدی علیه طبقه کارگر طرح ریزی مینماید. چنین پیش بینی میشود که از ۱۹۹۵ تا سال ۲۰۰۰ رقم بیکاری شهر از ۴/۸ میلیون به ۲۱ میلیون افزایش خواهد یافت. این دور جدیدی از مبارزه طبقاتی در چین را میگذشاید.

روشنفکران لیبرال، اگر چه امروز تا اندازه زیادی بی آبرو گردیده اند، ایک سعی مینمایند تا از این اوضاع سود جویند. یوان هانگینگ، مدرس دانشگاه بی ژین و حامل تئوری فیلسوفانه "تقدیس قهرمان"، به همراه برخی دیگر از روشنفکران و دانشجویان فارغ التحصیل سعی در تاسیس یک باصطلاح "اتحادیه دفاع از حقوق کارگران" نمود. ایده اساسی آنان ایجاد نوعی جنبش "مستقل" تریدیونی بود که خود را به درخواست برای حقوق مننی بورژوازی و اقدامات رفرمیستی، که برای یک اقتصاد سالم مبتنی بر بازار جنبه حیاتی دارد، محدود نماید. اینان در حرکت خود به شیوه ای کاملاً غیر واقع بینانه پیش رفتند. بدین صورت که به دولت رجوع کرده، صاحب منصبان دولتی را مطلع ساختند که دارای سازمانی مدافع حقوق کارگران بوده و خواستار اعطاء رسمیت قانونی از سوی دولت به سازمان مذکور شدند. صد البته، اینان بلافاصله دستگیر شدند.

\*- IRB شکل اختصار THE IRON RICE BOWL میباشد.

در شرایط حساس ۱۹۸۹ اتخاذ نمودند. "رفرم" روستایی مع الوصف چیزی بیش از استقرار مجدد اقتصاد خرد دهقانی که هم از نظر اقتصادی و هم از حیث اجتماعی تابع بخش نوین شهری میباشد نیست. بنابراین، اهمیت نهایی "رفرم" روستایی قائم به خویش نبوده بلکه به طبیعت "رفرم" شهری وابسته میباشد.

پس از ۱۹۸۴، معجزه اولیه کشاورزی ناپدید گردید. در حالیکه اقتصاد سرمایه داری نوین شهری در مقام بالاترین نرخ رشد جهانی گسترش یافت، استاندارد زندگی دهقانان تقریباً بطور تام راکد ماند. تبلیغات رسمی به ثنا گویی از "رفرم" پرداخته چنین مرثیه خوانی میکنند که آری زیر سایه "رفرم"، دهقانان اکنون دیگر از وابستگی سنتی شان به زمین رها شده اند. با این وصف، میلیونها دهقان در می یابند که رهایی شان همانا به معنی از کار بیکار شدن بوده است. در همان حال که گزارش داده میشود که سرمایه گذاری های روستایی طی ۱۵ سال گذشته تعداد ۱۲۰ میلیون کارگر "مازاد" را جذب نموده بود، مجموع این مازاد هم اکنون به ۱۷۰ میلیون میرسد. این ارتش عظیم ذخیره کار، نقش به سزایی در حفظ نیروی کار به شکل ارزان و مطیع، که سنگ بنای ترقی سرمایه داری چین میباشد، دارد.

تضاد شهر و روستا به واسطه مسیر بخصوص انباشت سرمایه داری چین تشدید میگردد. با تضعیف دولت مرکزی، دول ایالتی نقش مهمی در این انباشت بازی مینمایند. به همان شکل که سرمایه داران با یکدیگر رقابت میکنند، دول ایالتی چین نیز در رقابت با یکدیگرند. با این اختلاف که دول ایالتی میتوانند پول مورد نیاز جهت سرمایه گذاری را از طریق تحصیل مالیات

اول آنکه؛ چین میتواند بعضی از کالاهای ارزان تر از کشورهای توسعه یافته تولید نماید، تنها بدین خاطر که میتواند نیروی کار ارزانتری را مورد استثمار قرار دهد. اما در دراز مدت، با پیشرفت های تکنولوژیکی، هزینه کار، شامل بخش کوچکتر و کوچکتری از کل هزینه تولید خواهد شد. این مطلب، حتی در صنایعی که بیشتر به نیروی کار تکیه دارند نیز صدق میکند. بنابراین، برای چین بطور روز افزون مشکل خواهد بود تا کم خرج تر از کشورهای توسعه یافته به تولید ادامه دهد.

دوم آنکه؛ چنانچه اوضاع اقتصادی بین المللی برخلاف مراد چین تغییر نماید (این موضوع در درازمدت بطور اجتناب ناپذیر روی خواهد داد) چین با درآمد صادراتی کمتر خود قادر به پرداخت هزینه واردات تکنولوژی و کالاهای سرمایه ای، که چین ناتوان از تولید آن میباشد، نخواهد بود و در نتیجه مینماید از بازار سرمایه بین المللی آنرا با حجم بالایی استقرار نماید (بدهکاری خارجی چین در سال ۱۹۹۴ به ۱۰۰ میلیارد دلار رسید) و احتمالاً گرفتار دور باطل وابستگی استقراضی شده و به همراه آن به ورشکستگی اقتصادی دچار گردد.

## گرایش های جدید در مبارزه طبقاتی

در واقع، "رفرم" چین شامل دو بخش وابسته به هم ولی مجزا میباشد؛ "رفرم" شهری و "رفرم" روستایی. "رفرم" روستایی ابتدا تقریباً عامه پسند به نظر آمد. این رفرم به طبقه حاکم جایگاه سیاسی- اجتماعی مهمی در دهه ۸۰ داد. همچنین بیانگر آن بود که چرا دهقانان - اکثریت مردم چین- موضعی بی طرفانه

این روشنفکران لیبرال، همچون هم طرازان خود در سال ۱۹۸۹، بر اصل "مشروعیت قانونی" اصرار ورزیدند و این تنها بدان دلیل نیست که آنان از درک شرایط واقعی اجتماعی عاجزند. برای این روشنفکران، "مشروعیت قانونی" چیزی بیش از ابزار مبارزه است. از ورای اصل "مشروعیت قانونی" ایندولوژی "حاکمیت قانون" نهفته است که حقوق اجتماعی و اقتصادی را از حقوق مدنی مجزا ساخته و نه تنها بطور ضمنی حامی نوعی "آزادی" فرمال بوده بلکه در همان حال، مبشر "ثبات اجتماعی" میباشد. به عبارتی مبارزه در محدوده اصل "مشروعیت قانونی" قابل

کنترل و مهار شدنی است. با تعدیل و تنزل مبارزه توده های کارگر به سطحی نه فراتر از پروسه قانونی بورژوازی، اصل مشروعیت قانونی خود انگیزگی و ابتکار عمل توده های کارگر را مردود ساخته و آنان را تسلیم قشر ممتازی میسازد که آگاه به قوانین و تردستی های زیرکانه در پروسه های قانونی میباشند. اکثر روشنفکران لیبرال به هیچوجه نمیخواهند با مساله مبارزه طبقاتی برخورد نمایند.

ناکامی جنبش دمکراتیک ۱۹۸۹ ثابت نمود که روشنفکران لیبرال چین صلاحیت

رهبری جنبش دمکراتیک چین را ندارند. با دنباله روی از این روشنفکران، توده های کارگر چین تنها موفق به سلب مالکیت از خویش خواهند شد. کارگران چین میبایست خود را از سلطه ایندولوژی یک هم طبقه حاکم و هم روشنفکران لیبرال رها نموده و از خود یک نیروی سیاسی مستقل؛ یعنی یک نیروی انقلابی سوسیالیستی بسازد. از این زاویه، امکان برقراری دمکراسی در چین، تنها میتواند با استقرار سوسیالیسم میسر گردد.

## پیام فدایی و خوانندگان

### آلمان

ر- الف

با دروذهای انقلابی. نامه تان را دریافت کردیم در رابطه با آدرسی که خواسته بودید، اقدام کردیم. به امید اینکه در پیشبرد کارهایتان موفق باشید.

دوست عزیز مهدی

پس از سلام. بدینوسیله دریافت نامه تان را به اطلاعاتان میرسانیم.

### پاکستان

مسئولین لرجمند نشریه "پیام زن"

پس از سلام. نامه تان را دریافت کردیم. با تشکر از ارسال مرتب نشریه تان، لازم به تاکید است که ما بطور مرتب "پیام فدایی" را به آدرس تان فرستاده ایم. از اینکه بدایلی که بر ما معلوم نیست نشریات ارسالی بدستتان نرسیده است، متاسفیم.

### ترکیه

ر- ا

با دروذهای انقلابی. در رابطه با حل مشکلاتتان تا آنجا که امکان داشته ایم، اقدام کرده ایم. بهرحال امیدواریم که محدودیت امکانات ما را درک کنید. برایتان آرزوی

موفقیت داریم و از اینکه هنوز کارهایتان به نتیجه نرسیده است، متاسفیم و برایتان آرزوی موفقیت داریم.

درخواستی که کرده بودید، اقدام کردیم. به امید اینکه در حل مشکلاتتان موثر باشد.

\*\*\*

ر- ش

با دروذهای انقلابی. در رابطه با تهیه جزوه ای که خواسته بودید، اقدام کردیم و آنرا به محض تهیه برایتان ارسال میکنیم. به امید اینکه در فعالیتهای مبارزاتی تان موفق و پیروز باشید.

\*\*\*

ر- م

با دروذهای انقلابی. آدرس جدیدتان را دریافت کردیم و از این به بعد نشریه را به این آدرس برایتان ارسال میکنیم. در ضمن کمک مالی ارسالی تان رسید.

### هند

ر- م

نامه تان رسید. مساله ای که مطرح کرده بودید را مورد بررسی قرار خواهیم داد. از برخورد مسئولان تان در این رابطه سپاسگزاریم.

\*\*\*

دوست عزیز حمید

نامه تان را دریافت کردیم متاسفانه ما کتابی را که خواسته بودید در اختیار نداریم و تا آنجایی که ما اطلاع داریم اساسا تا کنون کتابی با چنین عنوانی بوسیله سازمان چریکهای فدایی خلق ایران منتشر نشده است.

\*\*\*

\*\*\*

\*\*\*

ر- ا  
با دروذهای انقلابی. نامه تان را دریافت کردیم. از اطلاعاتی که در زمینه شرایط زندگی پناهندگان ایرانی در ترکیه فرستاده بودید، سپاسگزاریم. امیدواریم که ما را بطور مرتب در جریان رویدادها و مسایل پناهندگان ایرانی در آن کشور قرار دهید.

### سوئد

ر- س

با دروذهای انقلابی. بدنبال دریافت نامه تان در رابطه با خواستتان اقدام کردیم. به امید اینکه هرچه سریعتر بتوانید بر مشکلاتتان فائق آئید.

### کانادا

ر- ح

با سلام و آرزوی موفقیت. در زمینه



## اخبار

از صفحه ۲۸

● به موازات افزایش شدید قیمت انواع لوازم خانگی، بهای این لوازم در اردیبهشت ماه نسبت به مدت مشابه سال قبل حداقل ۶۰ درصد گران شد. مطابق این گزارش قیمت یخچال ۲۰ فوت به ۵۵۰ هزار تومان رسیده است.

● در گزارشی که توسط کمیته مسئول تحقیق در فعالیتهای بانک مرکزی رژیم در ۶ خرداد منتشر شد اعلام گشت که جمهوری اسلامی در پایان سال ۱۳۷۲ حداقل ۲۳ میلیارد دلار بدهی خارجی داشته است.

● سفیر جمهوری اسلامی در آلمان اعلام کرد که ایران در حال خریداری ۱۰ فروند هواپیمای "ایرباس" به ارزش یک میلیارد دلار از این شرکت است. موتور این هواپیماها که اساساً توسط شرکت امریکایی "جنرال الکتریک" طراحی شده قرار است توسط شرکت انگلیسی "رولز رویس" ساخته و به جمهوری اسلامی تحویل داده شود.

● در اولین هفته خردادماه و مصادف با اجرای مانور نظامی ولایت توسط ارتش جمهوری اسلامی، مقامات رژیم با تصویب لایحه ای حقوق پرسنل نیروهای مسلح را بین ۳۵ تا ۱۸۵ درصد اضافه نمودند.

● به گزارش آسوشیتدپرس در گزارشی که توسط گروه حقوق بشر پارلمان انگلستان تهیه شده، آمده است که در طول ۱۷ سال حاکمیت جمهوری اسلامی ۱۵۰ مورد سوء قصد به جان مخالفین سیاسی این رژیم در ۲۱ کشور جهان از پاکستان گرفته تا آرژانتین سازمان یافته است. در این عملیات ۳۵۰ نفر کشته و مجروح شده اند و دو سوم این عملیات در زمان زمامداری رفسنجانی صورت گرفته است.

● سران هفت کشور صنعتی جهان در کنفرانسی که در لیون فرانسه برگزار شد، در بیانیه پایانی خود بار دیگر با لحنی آرام از جمهوری اسلامی خواستند که نقش سازنده ای در امور منطقه ای و جهانی به عهده بگیرد. در این بیانیه همچنین از جمهوری اسلامی خواسته شده که از "حمایت از تروریسم" و "مخالفت با روند صلح

خاورمیانه" دست برداشته و فتوای قتل سلمان رشدی را "لغو" کند. بیانیه پایانی این کنفرانس به شدت به مذاق سرمداران جمهوری اسلامی خوش آمده و علی اکبر ولایتی وزیر خارجه رژیم از آن ابراز "رضایت" کرد. او همچنین خواستار روابط "بترتحرک تری در زمینه سیاسی و اقتصادی" با دولتهای اروپایی شد.

● در کورن بحثهای مربوط به بازگرداندن پناجویان ایرانی مقیم هلند به ایران فاش شد که سازمان ضد جاسوسی هلند گزارشی از ادامه عملیات وسیع مقامات جمهوری اسلامی بر علیه پناهنگان و مخالفین سیاسی خود تهیه کرده و به پارلمان این کشور ارائه داشته است. در این گزارش آمده است که "مخالفان رژیم تهران به صورت آماج اصلی عملیات لیدایی عوامل رژیم در آمده اند" و سرویسهای اطلاعاتی جمهوری اسلامی مخالفان را در کشورهای اروپایی "هدف" قرار میدهند.

● رژیم جمهوری اسلامی پخش برنامه هایی را دیوبندی به زبان قزاقی را نیز آغاز کردند. از حدود ۳ سال پیش تا کنون پخش برنامه های رژیم به زبانهای خارجی گسترش بسیاری یافته است و هم اکنون صدای جمهوری اسلامی به ۲۶ زبان مختلف و از جمله عربی، آسوری، بنگالی، کردی، ترکمن، کرولت، اسپانیایی، روسی، پشتو و ..... برنامه پخش و به کشورهای مربوطه می فرستد.

● حزب نمکرات کردستان ایران اعلام کرد که در تاریخ ۲۹ خرداد پیشمرگان این حزب در یک درگیری با افراد سپاه پاسداران در منطقه "بارانداز" ارومیه حداقل ۲ تن از مزدوران رژیم را کشته و چندین تن دیگر را مجروح کرده اند. همچنین در تیرماه حزب نمکرات اعلام کرد که در جریان یک درگیری نظامی پیشمرگان این حزب ۲ تن از مزدوران رژیم به نامهای سرهنگ هوشنگ ارمانی اهل قروه و سرهنگ رحمان مهربانی اهل بیجار را در اطراف سقر به هلاکت رساندند.

● معاون ولزرت بازرگانی جمهوری اسلامی در سمینار فقرزدایی در تهران اعلام کرد که خط فقر بر ای خانواده های ایرانی مقیم تهران

- بطور متوسط هر خانوار ۲ نفر - ۶۸ هزار تومان، معادل ۲۲۷ دلار تعیین شده است. او همچنین خط فقر برای خانوارهای شهرستانی را ۲۵ هزار تومان - ۱۵۰ دلار - و برای مناطق روستایی ۳۷ تا ۳۹ هزار تومان معادل ۱۳۰ دلار تعیین کرد. به این ترتیب مطابق آمارهای ارائه شده به ترتیب افراد تهرانی، شهرستانی و روستایی با درآمدهای زیر ۵۷ دلار، ۳۷ دلار و ۳۲ دلار فقیر محسوب میشوند. به گزارش خود رسانه های تبلیغاتی رژیم هم اکنون بیش از نیمی از جمعیت کشور در سایه حاکمیت جمهوری اسلامی زیر خط فقر زندگی میکنند.

● علی اکبر ناطق نوری رئیس مجلس رژیم در جمع دختران بسیجی اعلام کرد که "اسلام بیشترین ارزش را به زن قائل است و پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هویت واقعی زنان را به آنان بازگردانید."

● رئیس سازمان حقوق بشر مصر اعلام کرد که رژیم جمهوری اسلامی هم اکنون در پایگاه نظامی خود در سودان حداقل ۳۰ هزار نیروی نظامی را مستقر کرده است. او این سخنان را در گردهمایی جمعیت حقوق بشر در کنگره آمریکا ابراز داشت.

● بهای مکالمات تلفنی از ایران به خارج از کشور بار دیگر ۷۰ درصد افزایش یافت. این تصمیم را شورای اقتصاد جمهوری اسلامی گرفته است.

● خامنه ای طی دیدار خود با نمایندگان مجلس رژیم، مجلس جدید را از دوره های گذشته "بهتر" توصیف کرد و از ترکیب نمایندگان آن اظهار "خرسندی" نمود. خامنه ای اضافه کرد که "برغم وجود جناحهای سیاسی مختلف اگر با تامل بنگریم مشخص خواهد بود که همه نمایندگان یک هدف یعنی اجرای احکام اسلامی را دنبال میکنند."

● ● ●

● حدود یک سال پس از آنکه جسد دو چریک متعلق به سازمان باسک اسپانیا یافت شد، دادگاهی در اسپانیا حکم دستگیری یک ژنرال "گارد کشوری" این کشور را به جرم دستور ربودن، شکنجه و قتل اعضای باسک صادر نمود. قاضی دادگاه منبور اظهار داشت

نخترانی که در خانه‌ها مشغول کارند حساب نشده‌اند.

● در کورن جنجال مربوط به تشدید تحریمهای اقتصادی آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی، "پیت رو" معاون وزارت خارجه آمریکا تمایل خود به گفتگو با سران جمهوری اسلامی را اعلام کرد؛ ولی متکرر شد که آمریکا در این کار پیشقدم نخواهد شد.

● دولت ایتالیا یک دیپلمات ایرانی و چند نفر الجزایری دیگر را در رابطه با ترور حسین نقدی مظنون شناخت ولی از افشای نام دیپلمات مزبور خودداری کرد. این اقدام دولت ایتالیا از طرف احزاب ایویزیسیون به شدت محکوم شد و آنها ضمن آنکه خواستار محکومیت قاطع جنایت تروریستی جمهوری اسلامی در ایتالیا شدند از دولت این کشور خواستند که نام دیپلمات تروریست جمهوری اسلامی را نیز افشاء سازد.



## اخبار و گزارشاتی

### از ترکیه

#### تشدید فشار بر پناهجویان

#### ایرانی در ترکیه

دولت ترکیه در چارچوب سیاستهای ضد پناهنده‌نگی خود و در حالیکه از همکاری UNHCR ترکیه در این زمینه برخوردار است، اخیراً فشار بر پناهجویان ایرانی و عراقی در ترکیه را افزایش داده است. در این رابطه مطابق قوانین جدید هر پناهجوی ایرانی و عراقی که به طور غیرقانونی وارد ترکیه میشود بایستی حتماً در شهرهای مرزی آغری، وان، حکاری و یا اسلوی و ..... خود را به دفاتر UN معرفی کرده و تمامی مراحل پناهنده‌نگی اعم از مصاحبه با وکیل کمیساریای عالی پناهنده‌گان و پلیس ترکیه را در همان محل انجام داده و حتی پس از قبولی

رئیس جمهور اسرائیل اعلام کرد که "از به قدرت رسیدن مسلمانان بنیادگرا در ترکیه" نگران نخواهد شد.

● بنا به گزارش روزنامه‌های چین در ظرف کمتر از دو ماه حداقل ۷۶۸ تن زیر نام مبارزه با بزهکاری‌های اجتماعی در این کشور اعدام شده‌اند.

● در کنفرانس بررسی مواد مخدر که در اواسط تیرماه در سازمان ملل برگزار شد مقامات کشورهای مختلف امریکای لاتین از سازمان ملل خواستار یک مبارزه بین‌المللی با مواد مخدر شدند که به قول آنها حتی "ثبات سیاسی" منطقه را برهم زده است. در همین کنفرانس دانستان کل مکزیکی نیز اضافه کرد که دولت مکزیکی قاچاق مواد مخدر را "تهدید اصلی امنیت" خود تلقی میکند.

● در اواسط خرداد ماه دولت بحرین با دستگیری دهها تن از شیعیان این کشور از یک کونتا بر علیه دولت حاکم بر این کشور پرده برداشت. مقامات بحرین با استناد به اعتراف ۴۲ تن از افراد بازداشت شده که توسط مزدوران رژیم ایران در لبنان آموزش دیده بودند جمهوری اسلامی را متهم به سازماندهی و دخالت در این کودتا نمود.

● سفیر ایران در آلمان ضمن انتقاد به سیاستهای دولت آلمان نسبت به جمهوری اسلامی به مقامات این کشور اطمینان داد که این کشور میتواند همچون برنامه اول اقتصادی، از منافع حاصل از ۲۵ درصد برنامه پنجساله دوم معادل با ۲۵ میلیارد دلار در ایران بهره‌مند گردد.

● حزب کارگران کرد ترکیه PKK در اولخز خرداد طی بیانیه‌ای که در آلمان انتشار یافت به آتش بس ۶ ماهه و یک طرفه خود با دولت ترکیه پایان داد. این حزب در بیانیه خود متذکر شده که دولت ترکیه برغم این آتش بس، یک هجوم سراسری به کردها در ترکیه را سازمان داده است.

● سازمان جهانی کار با انتشار گزارشی در باره اوضاع نابسامان حیات و معاش کودکان جهان اعلام کرد که حداقل ۷۳ میلیون کودک در جهان امروز به عنوان کارگر و یا حتی برده به کار مشغولند. در این آمار

"مدارک و شواهد" برای متهم کردن ژنرال رودریگز گالیندو به این جنایت کافی است. او همچنین در مورد احتمال دخالت دولت فدرال اسپانیا در شکنجه و قتل دو چریک باسک اضافه کرد احتمالاً ژنرال گالیندو "استورات مافوق" خود را اجرا میکرده است.

● به منظور تقویت نیروهای نظامی تایوان، آمریکا اعلام کرد که قصد دارد ۲۵۶ فروند موشک ضد هوایی استیگر را به ارتش این کشور تحویل دهد.

● دو هفته قبل از آغاز انتخابات ریاست جمهوری روسیه، بوریس یتسین با امضای یک قرارداد صلح با شورشیان چچن موافقت کرد و آن را "رویدادی تاریخی" نامید. این چنمین قرارداد آتش بس و صلح بسین نیروهای چچن و دولت روسیه در جریان جنگی است که تاکنون حداقل جان ۳۰ هزار تن از مردم چچن و سربازان روسیه را گرفته است.

● سرانجام پس از ماهها بن بست سیاسی در انتخابات ترکیه، حزب اسلامی رفاه به رهبری نجم الدین ارباکان در ائتلافی با حزب چیلر نخست وزیر سابق ترکیه توانست کابینه این کشور را تشکیل دهد. ارباکان در دو سال اول پست نخست وزیری را در اختیار خواهد داشت و در دو سال آخر این پست بار دیگر به تانسو چیلر برگردانده خواهد شد. نخست وزیر جدید ترکیه پس از بدست گیری قدرت اعلام کرد که حزب رفاه اسلامی به تمام قراردادهای استراتژیک تا کنونی ترکیه نظیر عضویت در ناتو و پیمان همکاریهای نظامی با اسرائیل وفادار خواهد ماند و برنامه اصلاحات اقتصادی را دنبال خواهد نمود. او همچنین وعده داد که ترکیه بر اساس ائتلاف جدید "مکرات، غیرمذهبی و بر شالوده قانون و اصولی" که کمال آتاتورک عرضه کرده باقی خواهد ماند. نخست وزیر اسلامی ترکیه اضافه کرد که "هدف اصلی فراهم آوردن فضایی است که تمام شرایط شکوفا شدن یک اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد را داشته باشد."

● به دنبال به قدرت رسیدن ائتلاف حزب رفاه اسلامی و "راه واقعی" ترکیه در این کشور و نخست وزیری نجم الدین ارباکان در ترکیه

پلیس جهت اسکان باید در همان شهر مرزی مستقر گردد. اجرای این قانون محدودیتهای بسیاری را متوجه پناهیجویان میسازد و به طور مثال دست پلیس ترکیه را برای دبیوروت سهل تر پناهجو باز تر میکند.

قانون مزبور از اوائل ماه ژوئن به مورد اجرا درآمد و در همان مراحل اولیه به دبیوروت چندین پناهجو به ایران منجر گشت. در این میان UN آنکارا پس از آنکه در مدت محدودی چند تن از وکلای خود را به شهرهای مرزی فرستاد و تا حدودی جلوی دبیورتهای بی رویه دولت ترکیه را گرفت اما سرانجام در تاریخ ۱۴ ژوئیه ۹۶ با نصب اعلامیه ای در محل دفتر خود در آنکارا ضمن صحنه گذاردن بر قانون ضدپناهندگی جدید ترکیه به پناهیجویان ایرانی و عراقی اعلام کرد که در صورت ورود غیرقانونی به ترکیه باید به همان شهرهای مرزی مراجعه کنند و در آنجا مستقر شوند. اکنون تعداد کثیری از پناهیجویان و حتی عده ای که قبولی UN را در دست دارند از ترس دبیوروت به ایران از رفتن به شهرهای مرزی امتناع کرده و در شهرهای مختلف بویژه در آنکارا به زندگی مخفی مشغولند.

### UNHCR و پناهیجویان متحصن ایرانی در ترکیه

در تاریخ ۸ ژوئیه و چند روز پس از آنکه پلیس ترکیه بر بستر سکوت و ماماشات جویی UNHCR وحشیانه به تحصن ۱۱ ماهه جمعی از پناهیجویان ایرانی در آنکارا حمله و با دستگیری و ضرب و شتم آنان به این حرکت خاتمه داد، دفتر UNHCR در ترکیه با انتشار اعلامیه ای گوشه ای دیگر از سیاستهای غیردمکراتیک و پناهنده ستیز خود را به نمایش گذارد. در اطلاعیه مزبور UN ضمن اعتراف به اینکه پناهیجویان در صورت بازگشت به ایران "تضمین" جانی ندارند، صراحتاً از پذیرش بار مسئولیت انتقال آنها به کشوری امن سر باز زده و بیشرمانه تصریح

کرده که UNHCR پرونده این افراد را "برای انتقال به کشور سوم به کشورهای پناهنده پذیر نخواهد داد." در اطلاعیه UN همچنین "مسئولیت" پیدا کردن "راه حل" برای حل مشکل این پناهیجویان بر عهده "سازمانها و تشکلهایی" که این پناهیجویان رد شده را از ابتدای تحصن "همیاری و تشویق" کرده اند گذارده شده است.

در این رابطه اعلامیه هایی نیز از سوی پناهیجویان متحصن ایرانی - ترکیه انتشار یافته که در یکی از آنها آمده است "اکنون UNHCR علیرغم پذیرفتن این واقعیت که ما نمیتوانیم به ایران بازگردیم و نیز اعتراف به ضرورت انتقال ما به کشوری امن، هنوز از به رسمیت شناختن حقوق پناهندگی سیاسی ما سر باز میزند و چنانکه ما بارها گفته ایم این فقط نشانگر مصلحت اندیشی این سازمان در رابطه با ملاحظات سیاسی و سازمانی آن میباشد و لاغیر".

این اطلاعیه تصریح میکند که "احزاب، سازمانها و نیروهای مترقی به حکم تعهدات انسانی در نفع از آزادی، عدالت و حقوق انسانی تا کنون به طور بیگانه از ما حمایت کرده اند، دعوت UNHCR از این نیروها برای حل مساله انتقال ما به کشوری سوم با هدف شانه خالی کردن این سازمان از زیر بار مسئولیت خویش میباشد. ما اعلام میداریم حمایت این نیروها که تا کنون نقش بسیار مهمی در کسب موفقیتهای تحصن ایفاء کرده و مسلماً نقش قاطعی در پیروزی نهایی آن خواهد داشت نره ای از مسئولیت UNHCR در قبال ما نمیکاهد. انتقال ما پناهیجویان به کشوری امن در حیطة وظایف و اختیارات قانونی این سازمان میباشد.

### هجوم پلیس ترکیه به کنگره حزب دمکراسی خلق

در تاریخ ۲۳ ژوئن حزب دمکراسی خلق (HEDEP) اقدام به تشکیل کنگره دوم حزبی

خود در سالن ورزشی آتاتورک در آنکارا نمود. این حزب یکی از احزاب کردستانی ترکیه میباشد که در چارچوب قانونی در ترکیه به فعالیت علنی مشغول بوده و دارای نمایندگان در پارلمان ترکیه میباشد. تشکیل دومین کنگره این حزب در زمانی صورت پذیرفت که حزب در آستانه منع فعالیتهای قانونی توسط دولت ترکیه بود. با این حال وزارت کشور ترکیه اجازه برگزاری این کنگره را برای حزب صادر کرد. قبل از برگزاری مراسم محل سالن مورد بازرسی دقیق پلیس امنیتی قرار گرفته و حتی دوربینهای مخصوص جهت کنترل های دقیق تر امنیتی توسط پلیس کار گذارده شده بود. در روز کنگره تمامی درهای ورود و خروج سالن منکور مورد کنترل دقیق پلیس قرار گرفت و تمامی مردم مورد بازرسی دقیق بینی قرار گرفتند. با وجود کنترل شدید، سالن ۸ هزار نفری آتاتورک مملو از هواداران و اعضای حزب دمکراسی خلق گشت. مراسم بدون نولختن مارش ملی ترکیه آغاز گشت و پس از آن نیز رهبر حزب شروع به سخنرانی بر علیه سیاستهای دولت ترکیه کرد. در همین حین پرچم ترکیه که از قبل در سالن آویزان شده بود توسط یکی از افراد حزب به زیر افکنده شد و پرچم حزب دمکراسی خلق با تصویر رهبر حزب و همچنین رهبر حزب کارگران کرد ترکیه PKK به اهتزاز درآمد. بلافاصله پلیس ترکیه هجوم خود به جلسه را آغاز نمود و ضمن برهم زدن مراسم و ضرب و شتم شرکت کنندگان درست یک روز بعد از این مراسم حزب EMEK در استانبول در طرفداری از حزب دمکراسی خلق و محکومیت دولت ترتیب داد. این تظاهرات نیز با هجوم ماموران رژیم به درگیری تظاهرکنندگان با پلیس انجامید. در همین تاریخ در شهر قیصریه نیز که اکثر اکرانشین است تظاهراتی برگزار شد که در جریان آن نیز ۳ نفر از اعضای حزب دمکراسی خلق توسط پلیس کشته شده و تعداد بیشماری نیز دستگیر شدند. شمار دستگیرشدگان بنا به برخی از گزارشات تا ۲۰۰۰ نفر برآورد شده است.

رژیم بهای مواد پاک کننده در سال گذشته به شدت بالا رفته و هر قالب صابون از ۲۵ تومان به ۶۷ تومان رسید. مایع ظرفشویی نیز از ۹۶ تومان به ۱۲۰ تومان افزایش یافت که رشدی معادل ۳۰ درصد را نشان میدهد. همچنین شاخص بهای عمده فروشی کالا در ایران در سال گذشته حداقل به میزان ۶۰/۲ درصد افزایش یافت.

در صفحه ۲۵

## PAYAME FEDAAEE

NO: 10 - JULY 96

ORGAN OF IRANIAN PEOPLE'S  
FEDAAEE GUERRILLAS

### آبونمان پیام فدایی

برای آبوننه شدن نشریه لطفاً بهای اشتراک را به شماره حساب زیر واریز کرده و رسید آن را به آدرس پستی سازمان ارسال نمایید. هزینه سالانه آبونمان پیام فدایی معادل ۱۶ دلار آمریکا، ۱۶ مارک آلمان، ۷ پوند انگلیس، ۵۵ فرانک فرانسه و ۷۸ کرون سوئد میباشد.

**BRANCH SORT CODE:**

**60-24-23**

**ACCOUNT NAME: M.B**

**ACCOUNT NO: 98985434**

آدرس بانک:

**NATIONAL**

**WESTMINSTER BANK**

**PO BOX 8082**

**14 THE BROADWAY**

**WOOD GREEN**

**LONDON N22 6BZ**

**ENGLAND**

برای تماس با چریکهای فدایی خلق ایران با نشانی زیر مکاتبه کنید:

**BM BOX 5051**

**LONDON**

**WC1N 3XX**

**ENGLAND**

خردادماه با ارائه گزارش خود اعلام کرد که ۲۴۱ مورد اختلاس در بانک ملی را کشف کرده که مجموعاً رقمی معادل ۱۹/۹ میلیون دلار را در برمیگیرد.

● رژیم جمهوری اسلامی در اواخر اردیبهشت ماه ۷ تن دیگر را در تبریز و کرمانشاه اعدام کرد. جرم این افراد که همگی زیر ۲۳ سال سن داشتند "قتل و فریب دادن زنان و تجاوز به آنان" اعلام شد. ۵ تن از این عده در بازار تبریز و ۲ تن دیگر در کرمانشاه به دار آویخته شدند.

● بانک مرکزی جمهوری اسلامی نرخ تورم در ایران را در اسفند ماه سال ۷۲ معادل ۴۹/۴ درصد اعلام کرد که نسبت به ماه قبل از آن ۲/۲ درصد افزایش نشان میدهد. البته نرخ واقعی تورم در ایران بسیار بالاتر از رقم اعلام شده توسط بانک مرکزی است. اما این رقم در حالی اعلام میشود که بهای مواد اولیه مورد نیاز مردم روز به روز و در برخی موارد حتی ساعت به ساعت بالا میرود. به طور مثال مطابق اخبار خود رسانه های

## اخبار

● هفته نامه پیام دانشجو در اوایل خرداد ماه باردیگر توقیف و پروانه انتشار آن توسط "هیأت نظارت بر مطبوعات" لغو شد. علت تعطیلی این هفته نامه "طرح موضوعات یاس آور و غالباً واهی و اتهام ناروا به چهره های خدمت ملت" و فراهم آوردن "خوراک تبلیغاتی برای رسانه های استکباری" اعلام شد. همچنین اعلام شد که مدیر مسئول این نشریه به اتهام "پرده دری به خدمتگزاران جمهوری اسلامی، متهم کردن ریاست جمهوری به ارتباط با امریکا، توهین به جامعه روحانیت و..." محاکمه خواهد شد. لازم به ذکر است که در اوایل سال جاری پیام دانشجو به درج سلسله مقالاتی درباره رسوایی های مالی مقامات دولتی و همچنین افشای شکنجه افراد در بنیاد مستضعفان پرداخت و به همین خاطر برای همیشه تعطیل شد.

● کمیته ای که از سوی مجلس رژیم برای تحقیق بر چگونگی کار بانکهای کشور مامور شده بود در

## خاطره

### رفیق پویان

سمبل ایمان به کمونیسم

گرامی باد!



پشت مرا ببندید به تیر.....

این بذرها به خاک نمی ماند

خون است و ماندگار.....



گرامی باد خاطره شاعر انقلابی خلق

رفیق سعید سلطانیپور

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!